

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

احمد میرندرسی

مروری بر دکتورین ریگان

هادی بهزاد

## سیاست دفاعی جدید آمریکا

## اصحاب عمل!

سابقه تسلیحاتی در زمینه موشک های بالیستیکی ( قاره بیما ) درجه ۳ ساله قبل هنگام سفر تاریخی ریگان به نیکیسون به اتحاد شوروی با اضمحلالی موافقت نامه سالت بین او و برژنف در مسکو محدود گردیده بود. اهمیت سالت ۱ که هنوز ا درجه اعتبار ساقط نشده است ولی هر یک از طرفین متعاهدین می تواند بنا بر پایه در صفحه ۲

رونا لدریکان ۲۷ مه امسال فاتحه سالت ۲ (۱) را شرح زیر خوانند: "تصمیمات استراتژیکی ما از این پس بدون توجه به قیود منسوس درج در موافقت نامه سالت ۲ و با در نظر گرفتن طبیعت و میزان خطر ناشی از نیروهای شوروی اتخاذ خواهد گردید". این بیان محدودیت های دست و پا گیر در سابقه تسلیحاتی هسته ای از میان برداشته شد.

بی دریغ خط بطلان می کشند، حالا چه رسد کدگی کلامی هم آینه و حکایت نظم جانشین بگوید که یک پا رچد آتش می شوند و تیغ اعتراض و شکایت بر می کشند که: چرا فلان و بیجان نمی جنبند؟ - چرا به قلم و سخن "جسیده ها" چرا حرف راجعای عمل نشانده اند؟ - که عمل هم درقا موستان تنها در یک جمله، نه بیشتر و نه کمتر معنا نده است: "سرکوب بی درنگ رژیم" - آنچه جز این بگوئید و بخواهید از آغاز تا انتها باطل است.

آزوی نجات از جنگ رژیسی که بی هیچ مباله "جنایت و فاجعه" معانی محبت و نازدهای بخشنده است، گاه بر روحیات بیگنی چنان سنگینی می کند که بر اثر "تدارک و راهیابی و تاه مل و طرح"

تب و تاب آن میلیونها مردم که اگر چه با پای خود، اما در عین بیخبری و زیر رکب و تلقین ها به جاه معیبت لغزیدن، تا منتظر نیست، تا آگاهی بجای خود، آن کسی که به درون شعله های آتش دست و پا میزند و سوختن را با پوست و استخوان خود حس می کند، بی اراده به خود می پیچد و فریاد می کشد و میله شکی به تنگرو چاره جوئی ندا رد نمی یابد - ولی ظاهرا "قصیه و ژوکون شده است، فغان و فریاد و التیاب غالب است" از جمع آنها نشی است که هر انداز باخته اند. لاجل از شنیدن در فضا های آزاد باز نمانده اند.

## بحران در ارتش ایران

به گزارش عنا صرمی، با وجود تهدیدهای مکرر رژیم، تعداد سربازان فراری از جبهه های جنگ در هفته های اخیر افزایش یافته است. سربازانی که به جبهه های سه ماهه، تنها چند هفته آموزش نظامی دیده اند، از سوی دولت اسلامی با شتاب روانه خط مقدم جبهه ها می شوند و به علت عدم کارآیی رژی می قادر به نبرد نیستند و از جبهه ها فراری می کنند. اخیراً لشکر سوم خرم آباد دو سرورجد که متشکل از ایتکونه سربازان تعلیم نیافته بود، در ناحیه صجران در نخستین روزهای نبرد سی درمد از فراد خود را از دست داد. سربازان تعلیم ندیده و وحشت زده، بر اثر مشاهده مرگ مدتها تن از همزمان خود ناگزیر یا به فرار گدا شدند. یکی از سربازان فراری می گفت در حالیکه عراقی ها از صدها تا تک و توبخانه و تجهیزات استفاده می کردند، ما با سلاح های فرسوده و تعدادی آتشبار در مقابل آن ها صف آرایی کرده بودیم. عنا صرمی می افزاید با وجود تجدیدهای مکرر رژیم، با نزد در صد از افراد معمول و سربازان، طی سه هفته اخیر از خدمت گریخته اند. بطور کلی وضع در درون ارتش خوب نیست و هر روز آشفته تر می شود. دوماه است که حقوق سربازان، درجه داران و افسران خط مقدم جبهه و نیز کمک عائله مندی افراد واحد های سه گانه ارتش پرداخت نشده است و با وجود اعتراض های مکرر نشانه ای دال بر برودا خت مزایای شغلی ارتشیان آن هم در شرایط سخت گراتی، مشاهده نمی شود.

بقیه در صفحه ۱۵

سوره - عراق

## تعویق کنفرانس وزرای امور خارجه

روز سیزدهم ژوئن، دفاعی بیسی از برپایی اجلاس وزرای امور خارجه سوریه و عراقی خبرگزاری ریپای دو کشور کنفرانس تعویق این دیدار را منتشر کردند، بدون آنکه تاریخ دیدار آینده را تعیین کنند. مقامات اردن که امید بسیار به این دیدار برای عادی سازی روابط دو کشور عرب بسته بودند، گویند که تا این تاه خبر تعویق رانشی از "جزئیاتی بی اهمیت" بقیه در صفحه ۱۵

عنا صرمی در گزارشی خود می گویند: اخراج یا اختلال کارکنان زن در ادارات ارتش که بنا به دستور خان منهای طرح ریزی شده بود، دوباره از سر گرفته شده است و اورائی میان کارمندان زن توزیع کرده اند وزارتخانه های بی را که مایلند در آن ها خدمت نمایند، تعیین کنند. عنا صرمی می افزاید: کار تحفی نظامیان و ساء لدا للال ارتش مجدداً "جونگران کننده ای در ارتش بوجود آورده است. در مراسم رسمی، ارتشیان را از سرهنگ بدیا بین به طرز توهین آمیز مورد با زرسی بدنی قرار می دهند. بعنوان مثال، روز

بقیه در صفحه ۹

تورویسم تبلیغاتی

و تورویسم دیپلماتیک در صفحه ۹

مکتوبی احمدی نازک - بیرونیسل هوکوز، روزنامه نگار و اسلام شناس

## بنیادگرایی اسلامی چشم بر آینده فرو بسته است

ژان - پیرونیسل، هوکوز، دیپرونیسلده سالل اسلامی روزنامه لوموند سال ۱۹۴۵ در ماری بدنی آمد. او که بر زبان عربی تسلط کامل دارد، سالهایی چند بعنوان نماینده روزنامه لوموند در الجزایر و مصر سیر کرده، پیرونیسل - هوکوز در ادبیات و تاریخ و احکام اسلامی مطالعات وسیعی دارد و افزون بر آن به علت رابطه همیشگی با کشورهای مسلمان، در جزایر و رویدادهای سیاسی و دینی این کشورها قرار دارد. سال ۱۹۷۴، کتاب "قلمرو عرب" اثر پیرونیسل - هوکوز از طبع خارج شد که با تحسین اسلام شناسان اروپایی و نوشتن کتاب دیگر این نویسنده، "تخته نجات محمد" سال ۱۹۸۲ طبع و نشر شد که بخش هایی از آن در قیام ایران ترجمه و طبع شده است. قیام ایران در گفتگویی با این روزنامه نگار اسلام شناس به مسائل کنونی کشورهای مسلمان، نهضت های بنیادگرا و روی آوری این نهضت ها به خشونت و تروریسم پرداخته است که از نظر آن می گذرد.

بقیه در صفحه ۴

ح. مکنان

## قضیه آن دو ذرع پارچه

زده بد جمهوری اسلامی چهره پاک نژادان اسلام را در نظر رجحان نیان ضاع کنند. در نتیجه بجای آن که از همان ابتدا برده آزوری حقیقت برگیرند و آشکار سازند که تریاک ها را امیریا لیسیم نابکار در جمدان جای داده است دچار برانگنده گویی شدند. مادق طباطبائی به پلیس فرودگاه گفت این ها دو است و برای عه ای که مریخ است می بمرم. این، اولین اشتباه بود. بدلیس اینک در مراحل بعدی مادق طباطبائی نتوانست خودش را نسبت به موضوع بیگانه نشان دهد و مدعی شد که قربانی یک دسیسه امپریالیستی شده است. اشتباه دوم این بود که سفارت جمهوری اسلامی در جوا با استعلام پلیسی، ماه موریت سیاسی مادق طباطبائی را منکر شد و جواب داد بطور به خودتان اجازه می دهید که تصور کنید یک قاچاقچی می تواند از طرف جمهوری اسلامی ماء موریت سیاسی داشته باشد یا از آن بدتر، یک ماء مورسی جمهوری اسلامی ممکن است مرتکب قاچاق بشود؟ نتیجه اینکه دوروز بعد، وقتی از بیت امام دستور رسید به پلیس آلمان اعلام شود که مادق طباطبائی دارای ماء موریت مهم سیاسی بوده است دیگر کار از کار گذشته بود و نمی توانستند او را با عذرخواهی از زندان آزاد کنند.

بقیه در صفحه ۱۲

دو سال پیش، وقتی آیت الله زاده آقا سید محمدما دق سلطانی طباطبائی اجازت حج احمدقا و نما بنده و بیوه امام خمینی هنگام ورود به خاک آلمان مورد سوء ظن قرار گرفت و چمدان او را گشودند و متعادفاً یک کیلو هفتصد گرم تریاک ناب زعفرانی محصول ماهان از داخل چمدان بدست آمد هنوز رهبران جمهوری اسلامی آنطور که با بدو مابعد از عمق توطئه های امپریالیسم آکا همی ندا شدند و نمی دانستند این امپریالیسم نابکار است که تصمیم دارد برای ضربه

## قابل توجه خوانندگان عزیز

بطوریکه ملاحظه فرموده اید ما از شماره ۱۵۲ قیام ایران یک فورم تقاضای اشتراک در نشریه چاپ کرده ایم. این فورم در این شماره و شماره های بعدی چاپ شده و خواهد شد. در نتیجه نشریه قیام ایران تا شماره ۱۵۷ مورخ ۵ تیرماه ۱۳۴۵ برابر ۲۶ ژوئن ۱۹۸۶ به آدرس های سابق کماکان ارسال خواهد شد. ولی از شماره ۱۵۸ مورخ ۱۲ تیرماه ۱۳۴۵ برابر ۳ ژوئیه ۱۹۸۶ - تنها برای کسانی که فورم اشتراک کنونی را تکمیل کرده و فرستاده باشند نشریه ارسال خواهد گردید. مشترکین عزیز که از طریق بانک یا پست وجه اشتراک را حواله می فرمایند باید الزاماً "قبض رسید بانکی یا پستی را ضمیمه نمایند.

سیاست دفاعی

مروری بر دکترین ریگان

سیاست دفاعی جدید آمریکا

بیش آکپی شش ماهه آن را نسخ کنند در اینستکه موافقی بر راه تقویت بنیه دفاعی ضد موتکی طرفین قرار داده است. به عبارتی دیگر هر یک از طرفین باید در برابر دیگری آسیب پذیر باشد اینک "تعادل وحشت" که مهمترین جنبه روابط دوا بر قدرت است محفوظ بماند. سی سال پیش از این پروفسور اورسن هایمر دانشمند آلمانی که پس از جنگ جهانی دوم به خدمت ایالات متحده درآمده بود و معروف به پدر صیباتمی است در بیانی بسیار خلاصه گفت: "ایالات متحده و اتحاد شوروی با سلاح های هسته ای خود به دو طرف می مانند که در هر دو طرف اگر یکی از طرفین اقدام به حمله کند طرف دیگر در کوتاه مدت قادر به پاسخگویی خواهد بود".

تجدید نیست سلاح مطلق آن خواهد بود که به ما حش اجازه دهد ضربه نا بسود کننده اول را بزند و از ضربه متقابل طرف مصون بماند. بدین است آرزوی هر دو طرف بر قدرت دسترسی به چنین سلاح و رسیدن به مرحله آسیب ناپذیری است. در حال حاضر تنها ایالات متحده است که تصویری کند با افزایش "چتر ضد موتکی" در آسمان آمریکا خواهد داشت کشور را به مرحله آسیب ناپذیری برساند یا به عبارت دیگر ضربه تلافی جویانه را خنثی کند. چتر ضد موتکی یا همان ابتکار دفاعی استراتژیکی (۲) (جنگ ستارگان) یا قیودناشی از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ (۳) تناقض دارد.

ریگان از آغاز با سال ۲ که توسط کارتر و برزنت در اوین در هفت سال پیش به امضا رسید مخالف بود در مسائل از انحصار یا تی خود علیه کارتر از این موافقت نامه بعنوان "توافق قلبی" یاد می کرد ولی پس از حراز مقام ریاست جمهوری در مرداد ۱۹۸۱ آن برنیا مد و اظهار داشت تا دام که شوروی ها آنرا نقض نکنند ما آن را رعایت نخواهیم کرد. ولی جسته و گریخته انقضای آن از سال ۲ از طرف ریاست جمهوری و همکارانش بعمل می آمد. روش کج دار و صریح در دست همان رویه ای بود که ریگان در مورد سال ۲ دنبال می کرد.

در مورد فسخ سال ۲ دو عقیده وجود دارد. عده ای معتقدند ریگان با این فن می خواهد گورباچف را در مذاکرات تحدید تسلیمات که در نوبرگزار میشود مجبور به گذشت های عمده کند. جمعیتی دیگر این اقدام را به مراتب مهمترین نیرتک سیاسی تلقی می نمایند و آنرا قدیمی تاریخی در سیاست دفاعی آمریکا میدانند.

موافقت نامه سال ۲ به طور کلی مربوط به تعدا دوترکیب سلاح های هسته ای است چنانچه می گردد. این موافقت نامه نه تنها به تمویب سنای آمریکا نرسید بلکه پس از تسلیم آن به سنا از طرف کارتر پس گرفته شد زیرا جو روابط واشنگتن و مسکو در نتیجه لشکرکشی شوروی ها به افغانستان طوری تیره شده بود که هیچ ابیدی به تمویب آن نمی رفت. از این لحاظ از نظر ایالات متحده فاقد اعتبار قانونی بود. ایراد دیگری که مخالفان سال ۲ می گرفتند این بود که در موافقت نامه مذکور گذشت های بلاعوضی در برورد موتک های بالیستیکی (قارده پیمای) سنگین مستقر روی زمین نسبت با تحساد شوروی منظور شده بود.

اوایل زمستان سال گذشته تا به فسخ سال ۲ قوت گرفت. زیرا همسان اوان گزارش مبسوطی در مورد نقض مقررات سال ۱ و سال ۲ از طرف اتحاد شوروی از کاخ سفید به کنگره ارسال گردید.

آنچه به نظر کاخ سفید نقض مقررات سال ۲ بشمار می رود اینستکه اتحاد شوروی گذشته از موتک اس اس ۲۴ متحرک و یک کلاهکی، موتک سنگین جدید اس اس ۲۵ یاده کلاهک به زرادخانه خود افزودند است. در صورتیکه بنا به مقررات سال ۲ طرفین حق دارند فقط یک نوع موتک جدید داشته باشند. ایراد دوم اینستکه اتحاد شوروی موتک متحرک جدید اس اس ۱۶ به میدان آورده است. ایراد سوم اینستکه سکومرتنیا" هنگام آزمایش موتک هکلاکام الکترونیکی را بشکل رمز بنیه مهندسان مسئول مخابره می کنند در نتیجه امکان هر نوع کنترل و ممیزی که در موافقت نامه پیش بینی شده است از بین می رود به عبارت دیگر معلوم

نمی شود موتک ها از آزمایش خوب یا بد بیرون آمده اند. در مورد سال ۱ یا آ. بی. سی. ام ایرادی که به شوروی ها می گیرند اینستکه به سر خلاف مقررات موافقت نامه در کراسنایارسک واقع در قلب سیبری مجتمعی از رادارهای خیلی دقیق بوجود آوردند. طبق موافقت نامه، نصب چنین رادارهایی فقط در مرزهای کشور و آن هم بطرف خارج مجاز می باشد. به عقیده ناظران امور تسلیحاتی و مسائل مربوط به خلق یا کنترل سلاحها در سال ۲، ما نوری بیش نیست و هدف در واقع از میان برداشتن موافقت نامه سال ۱ است. موافقت نامه مذکور چنانکه در بالا ذکر شد مربوط به تنظیم و گسترش و تحقیق در موتکهای ضد موتک است. از این جهت ما سعی بزرگ برای تحقیق در باره سلاحهای دفاعی و اجرای برنامه ابتکار دفاعی استراتژیکی با جنگ ستارگان است. بنا بر این کاخ سفید در آینده بیش و کم نزدیک مجبور به انتخاب بین رعایت موافقت نامه مربوط به موتکهای ضد موتک (سال ۱) و ادامه برنامه ابتکار دفاعی استراتژیکی (جنگ ستارگان) خواهد شد.

پیشنهاد جدید شوروی

تحول اخیر در سیاست دفاعی آمریکا از نظر اتحاد شوروی مخفی نمانده است برای مقابله با آن کرملین به کاخ سفید بطور رسمی اظهار داشته حاضر است به تقلیل فاشی در سلاحهای تهاجمی تن در دهد بشرط اینکه موافقت نامه سال ۱ مورخ سال ۱۹۷۲ تحکیم گردد و ایالات متحده تمهید کند که موافقت نامه مذکور را تا بیست سال دیگر محترم خواهد شمرد. در پیشنهاد اتحاد شوروی که به هر دری برای جلوگیری از اجرای برنامه جنگ ستارگان می زند با بسیاری دیگر تمام کوشش خود را بکار می برد تا رقیب به سلاح مطلق دست نیابد نکته تازه که در واقع گذشت نسبتا مهمی است وجود دارد و آن اینستکه تاکنون کرملین توانی در مورد سلاحهای تهاجمی را مشروط به انصرافی چون چرای ایالات متحده از تحقیق در زمینه ابتکار دفاعی استراتژیکی کرده بود. با پیشنهاد اخیر مسکو دیگر صحبت از انصراف کامل از تحقیق نمی کنند فقط خواستار تحکیم سال ۱ یعنی موافقت نامه مربوط به موتک ضد موتک یا به سخن دیگر تدابیر دفاعی ضد موتک گردیده است بدین ترتیب مسکو به تحقیق و حتی بعضی آزمایشها راضی شده است. ریگان به هیچ عنوان حاضر نیست از ابتکار دفاعی استراتژیکی که در تصور او باید مایه برتری آمریکا بر رویه شوروی و راه کشای سیاست و نسبت به کرملین گردد دست بردارد.

فلسفه سیاسی ریگان

برتری جویی نظامی بخودی خود هدف نیست. وسیله ایست برای اجباری برنامه وسیعی که بر پایه جهان بینی و تفکر سیاسی رئیس جمهوری ایالات متحده استوار است. جهان بینی و تفکر سیاسی ریگان در اظهارات و بیانات متعدد با وضوح کمتری بیشتر منکس است. شاید گویا ترین آن ها سیامی باشد که در ماه مارس ۱۹۸۶ تحت عنوان "آزادی، امنیت ناحیه ای و صلح همه جانبه" به کنگره فرستاد. در این پیام مهمترین مسئله سیاست خارجی آمریکا که مقابله با قدرت شوروی در جهان سوم باشد مطرح است. هدف اصلی ریگان در این بیان اینستکه به اتحاد شوروی کوشش کند سیاستی که کرملین در دهه هشتاد اعمال می کرد دیگر قابل اجرا نیست. برای اینکه جلوی چنین سیاستی را بتوان گرفت باید نفوذ شوروی را سد کرد تا بیش از پیش کسرتش پیدا نکند. از این گذشته نباید گذاشت که مسکو موضعی را که به چنگ آورده است تحکیم کند و در مرحله

نیایی با بدتر از آن مواضع بیرون راند. به سخن دیگر قصد نیایی کشیدن خط بطلان بر تمام موفقیت های سیاسی اتحاد شوروی در دهه گذشته میباشد. ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم در برابر اشکای سیاسی فراوان سالین با اکثرین ترورمن سیاست اتحاد شوروی دنبال می کرد. به عبارت دیگر سدهای ثی جلوی سیاست نفوذی شوروی مخصوصا در ایران و ترکیه و یونان بوجود آورد امروز ریگان سیاست اتحاد شوروی را کماکان دنبال می کند. یعنی میگوید مناطق جدیدی زیر نفوذ اتحاد شوروی قرار نگیرد ولی در عین حال به نیروهای که علیه رژیم کمونیستی دست نشانده مسکو مبارزه می کنند همجور کمک می رساند. (کا مپوچ، افغانستان، در آنگولا). بدین ترتیب کار از آنسود گذشته در مواردی که افغانستان گویا ترین آنست بدین راندن کشیده شده است وقتی ثابت شد رژیم های دست نشانده مسکو شکست پذیر است و انقلاب کمونیستی را می شود ریشه کن کرد زمین زیر کرملین بلرزد در خواهد آمد و اساس امیرا طوری متزلزل خواهد شد. ولی ریگان در بیام خود نکته دیگری را هم متذکر میگرد و آن اینستکه جنگ های ناحیه ای که به یاری کرملین رایه میداند بکنند برای روابط آمریکا و شوروی خطرناک و بحال ملی که خاکشان عرصه تاخت و تراز بر قدرت ها قرار گیرد بسیار مضراست. از این جهت مطرح در اینستکه طرفین در این قبیل اختلافات ناحیه ای سلاح را زمین بگذارند و در مد جستجوی راه حل سیاسی بربایند.

راه حل سیاسی مستلزم مذاکره است. ولی مذاکره درجه مورد وجه وقتست؟ اختلافات با جنگ های با صلاح ناحیه ای در حقیقت اسم جدیدی است که روی جنگهای داخلی گذاشته اند. تاریخ برتری از جنگهای داخلی است. خیلی بندرت اتفاق افتاده است که بکطرف جنگ داخلی در حالی که هنوز از یاد درنیامده است سلاح را زمین بگذارند و از در مصالحه در آید. به نظر ایالات متحده مصالحه با اتحاد شوروی باید بر اساس قبول رژیم دیگری به سبک غربی صورت گیرد. اگر اتحاد شوروی چنین شرطی را قبول نکند جنگ داخلی با این نخواهد داشت و تنها چاره آمریکا در این خواهد بود که به ریختن خون روسها هم چنان ادا به دهد. تصور نمی رود کرملین حاضر شود به طیب خاطر میدان را برای حریف خالی کند و با قبول دموکراسی غربی نیش بریش خود بزند و بساط فرما نروائی را که طی چهل سال در گوشه و کنار دنیا گسترده است جمع کند.

سیاست وایس راندن

مقابله مستقیم جدی با اتحاد شوروی با به عبارت ساده با روی منافع آن گذاشتن مستلزم داشتن امکانات و وسائل متناسب با این مهم میباشد. در گذشته ایالات متحده بهای بسیار سنگین برای سیاست انسداد پرداخت. سیاستی که مبتنی آن دکترین ترورمن بود و بر انجام به فاجعه ویتنام خاتمه یافت. در اجرای این سیاست ترورمن کندی و جانسون از جهان و مال آمریکا ثیمان مایه گذاشتند. نیکیون برعکس به پیروی از وصیت آیزنهاور که پس از تجربه کرده آمریکا را از اعزام سرباز آمریکا به کارزارهای آسیایی سخت منع کرده بود دکترین گوام را آورد و سیاست انسداد را بر پایه نوبنی قرار داد و آن این بود که حاضر بویزه مخالفان کسرتش نفوذ شوروی فقط کمک اسلحه مالی ولوژیستیکی بکنند و لاغیر. بدین ترتیب سیاست انسداد از آن تر تمام می شد و لسی چندانی موفقیت آمیز نبود زیرا در بعضی موارد مبارزان علیه کمونیسم دشمنان آزادی از آب درمی آمدند و کینه شدید مردم خود را علیه آمریکا برمی انگیزتند. دکترین ریگان در مقایسه با طرز تفکر ترورمن و نیکیون فرق قابل

توجهی دارد و آن اینستکه از این پس افراد مستبد و آزادی کشان را اینکه دوست یا دشمن ایالات متحده باشند به یک چوب برانده خواهد شد. به عبارت دیگر ایالات متحده از این پس با هر گونه استبدادی اعم از راستی یا چپی مخالفت خواهد کرد. بدین ترتیب ایراداتی که به روش های ترورمن و نیکیون گرفته می شد منتفی خواهد شد و راه برای پی ریزی و اعمال یک سیاست خارجی که مورد قبول جریانات مختلف سیاسی باشد باز می گردد. ریگان با چه امکانات و وسایلی می خواهد سیاست انسداد و پس زدن را اعمال کند؟ پیش از آنکه به این وسائل و امکانات شکتی را با یاد می اندک شود و آن اینستکه ما هیت دکترین ریگان خوش بینی است بدین معنی که اوضاع را در دهه هشتاد سخت بروفق مراد و بسیار مساعد بنا نقشه های خود می بیند. در این ایام با اعتقاد طراحان سیاست خارجی ایالات متحده مواضع اتحاد شوروی در خارج از اروپا یعنی در جهان سوم روبه تنزل است. دلیلی هم که می آورند اینستکه اتحاد شوروی در دهه هشتاد و یکی دو سال از دهه هشتاد پیش از آن خود کسرتش پیدا کرده است. دیگر اینکه گرفتاریها و مشکلات داخلی مخصوصا اقتصاد روبه افزایش است.

گفته می شود تعادل نیروا خیرا " بسود ایالات متحده بنظم خورده است و گفته کاخ سفید از لحاظ نظامی بر کفه کرملین می چرید. از همه مهمتر اینکه در جهان سوم آزادیخواهی روز بروز بیشتر قوت می گیرد. بعضی از ناظران امور بین المللی به انداز طراحان سیاست خارجی آمریکا خوش بین نیستند و معتقدند که ریگان به جهان ازبیت شسته کمبودی نگردد. تاکنون نواهدی مثبتی برای اینکه کرملین نمی خواهد هدایا اینکه نمی تواند از سر سردگان خود در جهان سوم پشتیبانی کند وجود ندارد. البته این پشتیبانی تاکنون جنبه سیاسی و اقتصادی و تسلیحاتی و تبلیغاتی داشته است. ولی اگر قرار شود که سیاست انسداد و پس زدن بشدت دنبال گردد احتمال درگیری با اتحاد شوروی وجود دارد. از این درگیری آمریکا فقط با برتری نظامی بی چون و چرا می توان تدبیر و بیرون آید. چنین برتری نظامی وجود ندارد.

قدرت انقلاب دموکراتیک

بافتدان برتری بی چون و چرای نظامی و اشنگتن در درگیری خود در جهان سوم با مسکو با سلاح دیگری بکار برسد. طراحان سیاست خارجی این سلاح را که نه مالی است و نه نظامی در قدرت انقلاب دموکراتیک تشخیص دادند. در صورت درستی این تشخیص نکات مربوط به تعادل و برتری نیروها و ملاحظاتی از این قبیل جتان اهمیت نخواهد داشت و سیاست انسداد و پس راندن را میتوان به بیانی ناچیز به موقع اجرا گذاشت. کافیهست آمریکا با زنده را از برنده تمیز دهد و به موقع اولی را رها کرده طرف دومی را بگیرد و برخلاف گذشته محافظه کاری زیادی را کنار گذاشته به استقبال تغییر و تحول بفرود. در اندیشه طرفداران دکترین ریگان انقلاب دموکراتیک در سالهای آتی به آزادی بخش در دهه هشتاد و هفتاد می باشد که باز می کند. به سخن دیگر به زور اتحاد شوروی با استفاده از نهضت های "آزادی بخش" بدست آورده است از جنگ بیرون آورد.

در دهه هشتاد انقلاب دموکراتیک با فتح گردد و جامعه آزاد جانشین جامعه مقید شود. توفیق در سیاست انسداد و پس راندن تا حد نسبتا زیادی بستگی به پیمان و ژرفای انقلاب دموکراتیک دارد. به عقیده ریگان پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک است که جنگ های داخلی پایان می پذیرد و امنیت ناحیه ای برقرار می گردد و راه برای صلح کامل همه جا نه و پایداری هموار می شود.

ذکر آنرا در دکترین ریگان در روابط جاری و اشنگتن با متحده ایالات متحده و در سیاست کاخ سفید با کرملین بماند برای فرمت دیگر.

- ۱- Strategie Arms Limitation Treaty حرف اول S.A.L.T
۲- Strategie Defense Initiative
۳- Anti Ballistic Missile

### گزارش‌های ایران

## سرپرست نهاد دستمندان:

# همه ما دزدیم!

رفتار دولت در شرایط موجود اقتصادی آمیزه‌ایست از حرکات فردی که بر پشت کالسکه‌ای نشسته که اسباب‌های مهار را کسسته و در کنترلش نیستند. شما خوب می‌دانید که مشخصه حکومت‌های توتالیتر نفوذناپذیری آن‌ها - استحکام نظام اجتماعی‌شان - جلوگیری از سرخوردگی و گزارش‌هایی است که بنحوی آئینده رژیم را تیره و تار مطلقان چلبوه می‌دهد. از آغاز گرفتاری نفت - بمباران خاورک توسط عراقی‌ها و شروع کاهش قیمت‌ها ما می‌دانستیم که رژیم با مشکلات و بی‌انگیزی روبروست اما رژیم با حمایتی که فقط خاص رژیم‌های دیکتاتوری است به‌رچرخوانی‌های معمولی خود ادامه می‌داد و حتی تا اواسط فروردین ماه سال، رهبران رژیم در نطق‌ها و پیام‌هاشان ناآگاهانه می‌کردند که همه چیز تحت تسلط است و ما حتی اگر یک بنگه نفت هم نفروشیم برنام‌ها می‌ماند را طوری ترتیب داده‌ایم که نیازی به ارزفتنی نداشته باشیم. روز سنبه ۲۳ فروردین ماه آقای موسوی برای نخستین بار ناآگاهانه کرد که در زمینه موراتقنادهای زسال ۶۳ فشار کمبود ارزی داشته‌ایم ولی افزایش‌های اقتصادی دشمن برای سرعت بخشیدن به تغییرات گوی مصرف به یک اقتصاد مستقل و قوی استفاده می‌کنیم. اما این تغییر الگوی مصرف که تصور می‌رفت برنام‌های کسرتی، حساب‌ننده و همگ‌دریسی داشته باشد صرفاً "کریبا تکبیردوسه‌هزار بوتیک دار تهران شد آن هم به‌مدت چند روز و تنها نتیجه‌اش بی‌سودترین مغازه‌داران خیابان نشین که سودشان را می‌بردند و هم هوشطنان بیگانه خود را هم نمی‌خورند به‌صفت مخالفین بود. تلاش‌هایی نیز از طریق بیانات آتشین آقای موسوی خوشبینی‌ها را به‌منظور خلع گرد از زمین‌داران و سرمایه‌داران صورت گرفت، چندهکتاری باغ میوه را هم در شمال موقتاً توقیف کردند اما آگسرت‌ماننده پولی هم که بعضی‌ها بکار می‌انداختند، حرکتی به‌بازار میداده به‌پستوها و قلکهای باستانی کشف آتش‌خا‌ن‌ها غنچه‌ها برگشت، زمین‌ها نبود که تقسیم شود و اگر هم زمینی بود نه دولت هزینه عمرانی و آب‌دیش را داشت و نه دهقان بیچاره که جوانی‌اش را هم درجه‌های جنگ هدیه انقلاب کرده بود توش و توان عمران و آبادی‌اش را. بطوریکه بناچار برآش و آرتناح راست که روزبه‌روزه‌هم بیشتر می‌دهد آقای خوشبینی‌ها متهم به بیان افکار کمونیستی شد و در مجلس و نمازهای جمعه گفتند که خلع یک از زمین‌داران و سرمایه‌داران نیسار به جو سازی ندارد چون اقتصاد کشور را همین جو سازی‌ها از رونق انداخته است. به‌طوریکه ایشان درسی از فروردین ماه در مسیانه‌ها ت واگذازی زمین‌مطلوبانه به‌فریاد آمد که "اگر کسی با هرکسی خواست صحبتی از این بکند که در رابطه با زمین و کشاورزی در ارتب‌ط با حقوق آن کسی که روی زمین کشت می‌کند حرفی اگر خواست بزند بلافاصله متهم می‌شود به اینکه این حرف‌ها غیر اسلامی است، اسلام اقتصاد را آسای و پایه نمی‌داند... (نطق مطلوبانه) ایشان هم راه به‌جایی ننگسود و سرما به‌های گریخته از بار به‌میدان بازنگشت. وضع آنچنان وخیم گشت که مردم با ملاحظه کا هنی در آرزوی دولت و ترس از ضبط موجودی بانکی‌شان شروع به‌خارج کردن اندوخته خود از بانکها کردند بطوریکه دولت به‌ناچار مجبوره بی‌رحمی برای آقای دکتر نوربخش مدیرکل بانک مرکزی که شایعه‌اش و استغابش همه‌جا بر سر زبان‌ها بود ترتیب داد و ایشان با چهره‌ای سزارو صدایی شکسته بر صفحه تلویزیون آسارو ارقام حیرت‌آوری از افزایش حجم سبرده‌ها آرا که نمود اما جمله آخرین

وی در مورد میزان سودسبرده‌ها در سال ۶۴ همه رشته‌ها را پنبه کرد و مناسبع اقتصاد می‌فهمیدند که کا هنی یک درصد از سودسبرده‌ها تا چاندازه شما بشگر اقتصاد دورگشته دولتی است و مردم از خود می‌پرسیدند: آقای دکتر نوربخش تو که این همه چیده‌ای پس دنبهات کو؟ در تحقیقاتی که در بانک مرکزی انجام دادیم متوجه شدیم که اولاً میزان ذخیره سبرده مردم در سال ۶۴ کا هنی یافته است، ثانیاً "چنگ قدرت در بانک مرکزی بالا گرفته و چاندرین آقای دکتر نوربخش هم تعیین شده است و این شخص یک تحصیل‌کرده آمریکا به‌نام دکتر شیرانی است که عملاً "امور بانک را اداره می‌کند و ظاهراً در چاپ اسکناس‌های بی‌پشتوانه‌بین ایشان و آقای نوربخش اختلاف نظر شدیدی پدید آمده و دولت از ترس فروریختن باقیمانده اعتماد مردم به سیستم بانکی عملاً در عزل آقای دکتر نوربخش تردید دارد. خود آقای دکتر شیرانی در حضور جمعی از رؤسای طراز اول بانک مرکزی می‌گوید: ما عملاً نمی‌توانیم اعتبار ره‌های ارزی که به‌وسیله وزارت متنابع سنگین و سبک تصویب شده و فرستاده شده سبرده‌ایم. در اردیبهشت ماه سال بانک مرکزی مجدداً به وزارت متنابع که حدوداً ۷۵۰ میلیون دلار اعتبار خرید مواد اولیه یا قطعات بیدکی برای کارخانه‌ها ما در کرده بود اطلاق داد که حواله‌های ارزی محسوب می‌شود مورد تجدید نظر قرار دهند. شما بتوانید فکری برای تأمین اعتبار کرد. کارکنان این وزارتخانه بیش از شش ماه است که در فشار مراجعات مکرر و بی‌وقفه توام با داد و فریاد و عریبه‌جویی مدیران صنایع هستند.

### صفر کیلومتر های بسواد

راهروهای این وزارتخانه تبدیل به میدان مجادله و مساحنه و فریادهای آنجانی مدیران صنایع شده است. قبل از سال جدید آقای بهزاد نسوی وزیر صنایع سنگین در نطقی خطاب به مدیران واحدهای تحت پوشش شکست برنام‌های صنعتی را به گردن کا هنی اعتبارات ارزی انداخت اما آنچه که از بیانات ایشان در روزنامه‌ها چاپ شد دهها بار از زیر قیچی سانسورگذاشت تازه همین نطق هم به‌وسیله اداره روابط عمومی وزارت صنایع سنگین تکذیب گردید و آن را بخشی غیر رسمی و خودمانی خواندند. یکی از کسانی که در این جلسه حضور داشت می‌گفت آقای بهزاد نسوی در مقابل شکست تمام برنام‌های وزارتخانه‌ها که گناهم عمده آن راه‌دوش کمسود ارز انداختن است مدیران واحدهای بزرگ صنعتی را بی‌رحمانه زیر سلاق انتقاد گرفت و آن‌ها را بی‌سوادهای حزب‌اللهی خواند و گفت ما یک مشت متخصص درجه یک را از مدیریت کارخانه‌ها برداشتیم و شما بی‌سوادهای بی‌عرضه و بی‌تجربه مقرر کیلومتر را بر کارخانه‌ها مسلط کردیم که حتی عرضه یک تصمیم‌گیری کوچک ندارند و تمام واحدها را با از کار انداخته‌اید یا بی‌رحم کرده‌اید و آنجا که به‌شما پول داده‌ایم که بروید کمبود قطعات خودتان را از خارج تهیه کنید نصف پول را بالا کشیده‌اید و بعد هم گریه‌کنان بیش من آمده‌اید که بله غریبه‌ها پول ما را بالا کشیده‌اند و می‌ای خواهد یک قطعه بی‌ارزش را به‌شما برآوردیم قیمت به‌ما بفروشد تازه عرضه اینک به‌گمرک جمهوری اسلامی بروید و قطعات خریداری شده را ترخیص کنید و در دو میلیون به دلار قطعات خریداری شده در گمرک یا حیف و میل شده یا از حیزات متفاج افتاده است.

آقای مهندس مظاهری سرپرست بنیاد مستضعفان در آخرین اجلاس مدیران حساب‌داری در سال ۶۴، پاسنه دهان را کشید و با صدایی که از خشم منفجر می‌شد فریاد زد: برای من ادعای بساکی نکنید، بکنفران نمی‌شوا شدنا بست کند که در بنیاد دزدی نکرده است. اگر کسی در میان شما هست که مدعی بساکی است همین حالا از جا برخیزد و بگوید من دزدی نکردم تا پرونده دزدی‌اش را از شوی کشوی میزم در بیارم و بیه صورتش بکوبم. طبق اطلاع دقیق از داخل جلسه حتی یک نفر از میان صد و اندی مدیران مالی بنیاد مستضعفان برخاست که بگوید من دزد نیستم. بقرمانشید پرونده مرا بیرون بکشید. این نمونه‌ای از فساد اداری در نهادهای انقلابی ست در باره سایر موسسات دولتی تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. حزب‌الله حاکم هر قدر بیشتر از در آمدنفتی محروم می‌شود فشار سبر کرده مردم بیشتر از افزون ترمی کند. حق اشتراک آب در سال ۶۴ برای مسر واحد بهی هزار تومان رسانده شد: اشتراک برق به همین نحواید پراپتان جالب باشد بدانید که اخیراً برای تأمین برق شهرک‌های جدید و سساز گرفتن حق اشتراک کم‌ترکن به‌ساکتین شهرک‌ها تکلیف کرده‌اند که با یک زمین و پول ساختن پست برق راه خودشان بپردازند. شهرداری تهران هزینه جدول کشی خیابان‌ها و کوچه‌ها را که بطور سنتی و معمول می‌پرداخت در سال ۶۵ هزینه مزبور را هم از مردم می‌گیرد. بگذریم که برنام‌های در پیش است که مردم هزینه نظافت و حقوق رفتگر و یاسان پست محل را هم بپردازند. بیمارستانی در کشور جمهوری زده، سا را یگان نیست و حتی از زنان مفلسوک روستایی که برای زایمان در بیمارستان دولتی بستری می‌شوند تقاضای پنج هزار تومان می‌کنند. کار در یوزگی و کدایی رژیم به‌تأخیر رسیده است که از مردم می‌خواهد یا به‌جهت برونس یا میلیخی به‌صندوق دولت بپردازند، به‌عبارت دیگر زنده‌ماندن هم در جمهوری اسلامی مالیات پیدا کرده است. به‌این ترتیب که در اغلب شهرهای ایران ورقه‌های مخصوص داد و طلب شرکت درجه‌های پایین کسبه پخش کرده و ضمن جمع‌آوری تمام اطلاعات تجاسوسی و خصوصی از زندگی کسبه، دست‌آورد ورقه مزبور چینی آمده است؛ اگر به‌بردیلی نمی‌توانند درجه‌های تکمیلی حضور به‌مراسم نیسد فلان مبلغ را به حساب دولت جمهوری

اسلامی ایران و ارزیکنند. در بسیاری از سبرها این رقم بین ده تا سی هزار تومان است. و کسبه‌شهرها گدازنسبه دوم سال ۶۴ با رکود طاقت‌فرسای روبرو شده‌اند علاوه بر پرداخت ارقام بالای مالیاتی و انواع عوارض و گنجهای نقدی و جنسی مداوم به‌جهت‌ها با بد حد اقل سی هزار تومان نیز بخاطر عدم شرکت مستقیم در جبهه‌سرد به‌دولت بپردازند.

### کسبه روز حقوق

پرداخت حقوق کارمندان بتدریج برای رژیم مشکل می‌شود حقوق کارمندان و معلمان وزارت آموزشی و سرورن که اغلب در ۲۸ هزاره برای ماه بعدوا ریزو پرداخت می‌شد تا اول ماه و ریز شده بود و طبق اطلاع طی صدور بخشنامه محرمانه‌ای به حسابدارهای اسلاخ شده است که در پرداخت حقوق اولویت‌ها را در نظر بگیرند. عمده مختصر کارمندی که یک سکه‌باز آزادی است بجز در سازمان‌های انتظامی هنوز پرداخت نشده است. از طرفی کسبه کشورهای اسلامی کارمندان را تکمیل داده‌اند تا مقدمات کا هنی حقوق کارمندان را فراهم سازند. در نطق‌ها با یانی شورا‌های اسلامی گفته شد که برای مقابله با کا هنی ارزی و نطقه استکبار جهانی تصمیم گرفته‌ایم سه روز در ماه روز بگیریم و از یک تا پنج روز حقوق خود را به دولت ببخشیم. این توبیه و پیشنه‌دشورا‌های اسلامی ادارات در حقیقت پیش‌درآمد پرداخت ۲۵ روز حقوق در برابر یکماه کار است که به دست عوامل چنانیکار رژیم در ادارات به‌مرحله عمل نزدیک می‌شود. این فشار بر کارگران محروم‌واحدهای صنعتی نیز می‌رحمانه‌عامل می‌کند. چگونگی اخذ اجاری یک روز حقوق کارگران به این ترتیب است که کسبه کارگر در برابر صندوق گفته می‌شود که به‌پیشنه‌د شرای اسلامی کارخانه یک روز حقوق شما به‌جهت‌ها اختصاص یافته است و ما آن را برداشت کرده‌ایم اگر مایل نیستید به‌جبه کمک کنید می‌توانید نام‌های بنویسید و بگروزی حقوق برداشتی را پس بگیرید. حالاکدام کارگری است که جرئت کند و پیه‌اخراج را به‌تن به‌مالد و سه روز بعدتقاضای استرداد کمک به‌جهت‌ها بیناید. بسا اینکه دو ماه از سال گذشته پایبه‌سنوای خدمت یکساله کارگران که بطور معمول روزی ۶ ماه می‌شود پرداخت نشده و تصور نمی‌رود اصلاً با به‌سنوای خدمت کارگران پرداخت گردد.

## ماجرای دو مدرسه خصوصی در تهران

کرد که نشان می‌داد کار دعوا به‌جا‌های باریک‌کننده است. او که خود یکی از اولیای این دو مدرسه است و فرزندانش در این مدرسه تحصیل می‌کنند، وزیر آموزش و پرورش، آقای اگرمی، را متهم به اعمال شیوه‌های بی‌رویه کرد و گفت "من شخص وزیر آموزش و پرورش را مسئول این جریان می‌دانم و به ایشان هشدار می‌دهم چون که در مقابل این حرکت سکوت کرده‌اند باید به‌منتظر باشند که فردا از این شیوه‌ها علی‌خودشان تصمیم‌شان استفاده بشود. نکته‌ش که بنا بیدجالب با سدونی‌شگر تحولی بر زبان نیا مده محسوب گردد، اینست که دیگر حتی شیوه‌های گذشته چندان مقبول نمی‌تواند به‌اصطلاح این شیوه‌ها ریششان در آمده است. عبدالحمین ساوه‌این نکته را چنین به زبان آورده است: "ما راضی نیستیم که عده‌شی با توجه به اینکه جنگ و بیخوابند در پناه جنگ آن را بیخوابند و با استفاده از زونس جنگ مغزی و مجوری برای روبه‌خودشان بیداکند!"

وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی همواره با مدارس خصوصی و شبه‌خصوصی که غالباً مدارس اسلامی بوده‌اند یا از سوی معتقدان به‌عبارت‌شعرا اسلامی در مدارس آداری می‌شده‌اند تکمیل داشته است. در تابستان ۶۴ نیز وزارت آموزش

روز پنجشنبه، هشتم خردادماه، عسده‌ای نوجوان در حالی که شعار "مرگ بر آمریکا" و "مرگ بر فداولایت فقیه" می‌دادند در مدرسه جیت چیتان و مدرس را اشغال کردند. عاقبت کشمکش که از چندماه قبل بر سر اداره‌ای این مدارس بین وزارت آموزش و پرورش و اولیای ظاهراً "با نفوذ این مدارس در گرفته بود، به شیوه معمول جمهوری اسلامی به‌سود وزارت آموزش و پرورش خاتمه یافت. اما پیامدهای این واقعه بیش از پیش به‌سببیدگی وضع کمک کرد. دکتر شیرانی، نماینده‌ی تهران در مجلس شورای اسلامی، برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی در مجلس بست نشست و با تحسن خود که چند روزی طول کشید، به‌این عمل کارگزاران وزیر در منطقه‌ی ۱۲ آموزش و پرورش اعتراض کرد. انجمن اولیا و مربیان دبیرستان جیت چیتان و مدرس از تحسین دکتر شیرانی که آن را با مصت "تجا‌عانه" ستوده بودند دفاع کردند و با حضور خود در منطقه‌تظا هراتی هم‌به‌راه‌انداختند. از آنجا که مدرسه‌ی مدرس پیش از سال ۵۷ همان مدرسه‌ی آمریکا‌شی‌ها بود، مسئولان منطقه‌تجا تحریک نوجوانان به‌این که اولیای دانش‌آموزان این مدرسه و مدرسه‌ی جیت چیتان طرفدار آمریکائی‌ها و بازگشت سرمایه‌داری هستند، آن‌ها را به‌سوی مدرسه‌ها فرستادند. چند روز بعد، در سیزدهم خرداد، روزنامه‌ی رسالت معا‌جبه‌شی از عبدالحمین ساوه، نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی، چاپ

بقیه در صفحه ۱۱



کنشوی اختصاصی بازان - پیر پرونسل هوگز، روزنامه نگار و اسلام ستاین:

بنیادگرایی اسلامی چشم بر آینده فرو بسته است

بقیه از صفحه ۱

"برآمدن اسلام اجباراً نامطلوب نیست، اینکه مسلمانان به نیروی خود واقعاً می شوند هویت خود را بازمی یابند درخور برزخ نیست، اما تا آنجا که برانگیخته است که این جنبش جدید اسلامی جز به گذشته نمی اندیشد، مسلم است که گذشته مهم است و ملتشی که با گذشته اش قطع رابطه می کند، خود را از منبع مهمی محروم می دارد، اما باید به هر دو سو نگاه کرد. به آینده نیز باید نظر داشت و دریغنا که این نهضت های اخیر اسلامی به عقب بازمی گردند و این به نظر من خطرناک است و از همین جا است که افراط های کنونی پدید می آید..."

زان - پیر پرونسل - هوگز، روزنامه نویسی "لوموند" و اسلام شناس هشیار وکنجکا و، گفتگویی را با "قیام ایران" همین آغاز می کند. پس از یادآوری این نکته که در فرانسه ۴ میلیون مسلمان زندگی می کنند و حضور آنان در کنسار مسیحیان فرانسی با عنایت هیچگونه برخورد عقیدتی نیست می افزاید:

"اعلامیه حقوق بشر که به سال ۱۹۴۸ به تصویب سازمان ملل رسیده است سندی است ساده. من در برابر اعتقادات دینی و یا ایدئولوژی های سیاسی به این سندی نمی گردم. وقتی تحول کنونی اسلام را در مقابل اعلامیه حقوق بشر می گذارم، متأسفانه به اختلاف فاحش هر دو رسیده و این اختلاف فاحش هر روز در موضوع آزادی های فردی، آزادی مذهب و یا تطبیق قوانین جزایی افزونتر می شود. من که سالهای بسیار در کشورهای مسلمان زندگی کرده و همچنان به این کشورها سفر می کنم و با آنها است که متون اسلامی را مطالعه می کنم و قرآن و سنت و احکام اسلامی را بررسی می نمایم، متوجه شده ام که دین اسلام ضمن وفاداری به بنیادها و اصول می توانست در عین حال باقرن حاضر نیز هماهنگ باشد. فی المثل این آیه معروف قرآن که می گویند: "لا کراه فی الدین" اگر مورد عنایت حکومت های اسلامی، آیت الله ها و علما قرار بگیرد و این اصل صریح قرآنی را اجرا کنند، آن وقت جایی برای این مسکنت ها، حقارت ها، تجاوزه و افراطی که امروز بنام اسلام صورت می گیرد، باقی نمی ماند. آن ها برعکس به آیه های دیگر دست می آورند در حالی که همانطور که بسیاری از علمای دین اسلام گفته اند، باید آیین "لا کراه فی الدین" اصل قرار گیرد..."

در مورد حکومت اسلامی ایران، نویسنده "تخته نجات محمد" به اختلاف آراء مجتهدین اشاره می کند و می گوید:

"نگاه به گذشته مقدر و محتسوم نیست. همین آیت عظام چه بسا یک روز ضرورت نگاه به آینده را درک کنند، هم اکنون شمار از روحانیان ایرانی در فرانسه، آلمان، عراق و مصر در تبعید می برند و اینان رفتار و عقایدی بگلی مخالف با روحانیان حاکم دارند. این سنت قدیمی در میان روحانیان ایرانی وجود داشته است که تا وقتی امام غایب ظاهر نشده است، روحانیان نباید جز در شرایط فوق العاده در حکومت

شرکت جویند، آیت الله شریعتمداری این معنا را آشکارا بیان کرده بود و او تنها مرجعی از مذهب تشیع نیست که برای این عقیده است..."

زان - پیر پرونسل - هوگز، مثالهایی از "شرائط فوق العاده" که روحانیان ایران در امر سیاست دخالت کردند، بدست می دهد:

"در اوایل قرن نوزدهم، زمانی که انگلیسیان بر سر آن بودند که اختیار اقتصاد کشورشان را در دست گیرند (امتیاز زرویتزر) آیت عظام به میدان سیاست در آمدند و سپس خود را کنسار کشیدند. بهنگام انقلاب مشروطیت ۱۹۰۶ و به قدرت رسیدن رضاشاه پهلوی با زورشان نشان دادند که می توانند در مواقع خاص اظهار عقیده کنند، در هر سه مورد بالا، پس از زل و قتل مسائل سیاسی، روحانیان خود را از سیاست کنسار کشیدند..."

با این مثالها، نویسنده کتبی "تلمیر و عرب" آرزوی کند: "چون چنین سنتی وجود دارد، می توان امیدوار بود که به یار دیگر یک روز این سنت (عدم دخالت روحانیان در سیاست) در ایران مستقر شود. در حال حاضر مانع و سد پدید آمده است. این حائل و مانع می تواند باز هم ادامه یابد، اما نه همیشه. وقتی چنین سنتی در تشیع ایرانی وجود دارد، همواره می توان امید به بازگشت آن داشت..."

با لیدن و نزوی اسلام در شکل تازه خود، مبارز طلب است. از بروزات اسلام و اسکا معلوم می شود که فرهنگ غرب هدف نخستین است. پیر پرونسل - هوگز، قبول دارد که اسلام شیعی به غرب در ستانه نگاه نمی کند و می گوید:

"این اسلامی که امروز می بالد و برمی آید ما غربیان را انسان ناقص می داند. من که همه آدمیزادگان را برابر و مستساوی می دانم، این نظریه را رسوائی آمیزی دانم. افزون بر این برای اسلام امروزی که به یاد به یاد باقی افتاده، دنیا را به دو بخش متخاصم "دارالاسلام" و "دارالحرب" تقسیم می کند. دارالحرب در نظر آنان کشورهای غیر مسلمان است که آنجا هر کاری و از آنجمله تروریسم، تبعیض بهب درمنازه و قتل راه و غیره مجاز است. مسلم است که این بیش از آنکه ما نمی توانیم بپذیریم و علی آیه آن با یاد به شیوه ای اساسی مبارزه کنیم. در این نظریه بنیادگراییانه جرمه جنگ خنده دار و مسلم است که غربیان و یا ساده تر غیر مسلمانان نمی توانند قبول کنند که به آن ها به عنوان "انسان پست" نظر کنند و هر چه بخواهند انجام دهند. هیتلر هم چنین چیزی می گفت و عقیده داشت که چندین نوع افراد انسانی وجود دارند که برخی از آنان شایسته حکم فرمایی اند و دیگران نه. آرزوی منم که تا چا را از جنگی بشویم تا در مقابل این عقاید و اسکا یا نه و تبعیض آمیز مبارزه کنیم، اما موقعیت کنونی بنس نگران کننده، حتی خطرناک است..."



JEAN-PIERRE PERONCEL-HUGOZ

اسلام شناس فرانسوی در موضوع گسترش حکومت تشیع اسلامی، از نوع حکومت اسلامی خمینی - در دنیا، معتقد است که اروپا زگشت به بنیادهای اسلامی مسلمانان سنی را همانقدر برانگیخته است که شیعیان را. او در این باب با اشاره به این حقیقت تاریخی که اسلام در طول عمر خود دوره های گسترش و با اندکسی و دوره های رکود و فساد داشته است و یادآوری این موضوع که گسترش تشیع ایرانی در عصر مشروطیت، حدود چهار قرن پیش پدید آمده است، می گوید:

"بمنظر من در حال حاضر افراطگری و بنیادگرایی اسلامی، مسلمانان سنی و شیعی را بیک اندازه جذب خود کرده است. فی المثل در لبنان، بنیادگرایی اسلامی نزد سنیان و شیعیان هر دو پدیدار شده است. حتی می توان گفت که بنیادگرایی اسلامی در عصر ما در میان سنیان چشم بدنیای گشوده است: در مورد سالهای ۱۹۳۰ با قدرت یابی اخوان المسلمین، بنیادگرایی خاص ایران شیعی، نیز زنده شد. انقلابی است، زیرا خمینی خود عضو "فدائیان اسلام"، شاخه ای ایرانی سنی اخوان المسلمین بود. پس می توان دانست که همگی میان شاخه های اسلام دید. اگر فردا یک حکومت شیعی در بغداد در بر پا شود، من دلائل این بدیده را به آسانی درک می کنم. زیرا شیعیان در عراق اکثریت دارند در حالی که در لبنان در اکثریت نیستند، اما به شمار، در خورتوجه و نیرومندند و می توانند در بخش از لبنان حکومتی شیعی برقرار کنند. باری، این ها تحولاتی است که می توان تصور کرد. چه کسی - فی المثل - کشوری با یک اکثریت سنی اقلیتی شیعی (علویان) به حکومت برسد؟ من بتازگی از ترکیه برگشته ام که اسلام در این کشور بیخ کن است و غلیان است. شیعیان ترکیه (علویان) که ۱۵ تا ۲۰ درصد جمعیت را تشکیل می دهند همواره در موضوع اسلام سیاست نقش مهمی بازی کرده اند. این شیعیان ترک همواره موافق و همراه با حکومت غیردینی و مخالفان بنیادگرایی بوده اند. در حالیکه در ترکیه، این سنیان ندکه طرفدار حکومت اسلامی خمینی اند و شیعیان علوی مخالف این حکومت و طرفدار مدرنیسم و سوسیالیسم و دولت های غیر مذهبی. پس می توان گفت که تحولات امکان پذیر است. از این گذشته در حال حاضر شیعیان دنیا حدود ده درصد کل جمعیت، هشتصد، نهصد میلیون مسلمان را تشکیل می دهند و جز در عراق و ایران، در کشورهای دیگر این احتمال همیشه وجود دارد که کشوری با اکثریت سنی، شیعی شود و این امر در تاریخ روی داده است..."

پرونسل - هوگز برخاستن احساسات دینی را در کشورهای اسلامی دست کم نمی گیرد. او عقیده دارد که شور و هیجان بنیادگرایی همه جا در میان مسلمانان در حال حاضر، به چشم می خورد. می گوید:

"چند هفته پیش در آفریقای سیاه بودم. این با لاکیری احساسات افراطی را در میان مسلمانان سنگال به چشم دیدم. علاوه بر این در اندونزی، مالزی فیلیپین و حتی در چین هم شور و هیجان با زگشت به اصل و بنیاد اسلامی، پیروان این دین را به تگابو انداخته است. برخی از اینان طرفدار انقلاب اسلامی ایران اند و اگرچه این جنبش ها اقلیتی را جذب خود کرده است، اما مهم و درخور توجه و فعال است و نباید از آن ها غافل ماند.

اگر بخواهیم از مهمترین جنبش های کنونی اسلامی بنام "بیریم طبعاً" متوجه حزب الله لبنان می شویم که تحت تأثیر انقلاب ایران است اما بدست مسلمانان لبنان سازمان یافته است. این جنبش اسلامی به جنگ مسلحانه علیه "دشمنان دست زده است. گروگان می گیرد، بمباران می کند و چند سالی است که فعالیت هایش در اسبخرهای بین المللی قرار گرفته است. اما جنبش های دیگر نیز وجود دارد. مثلاً "اخوان المسلمین مصر که پیش از این نیز وجود داشت اما اخیراً اهمیت بسیار یافته است. قرابت هایی میان اخوان المسلمین امروز و انقلاب اسلامی مشهود است. در سنگال چندین سازمان کوچک اسلامی فعالیت می کنند که گفته می شود هزینه هایشان از سوی عربستان سعودی و ایران تأمین می شود. کشورهای دیگر هم کمک می کنند. این گروهها نیز بنیادگرایی دارند. آنان از دواج زنان مسلمان را با مسیحیان در قن کرده اند، فراموشی را تحریم کرده اند و می خواهند آموزش زبان فرانسه را از مدارس حذف و بجای آن آموزش زبان عربی را اجباری کنند. در همه کشورهای مسلمان جنبش های وجود دارد. در کشورهای غیر مسلمان نیز اقلیت های مسلمان به فعالیت پرداخته اند، مثلاً در فرانسه مسلمانان این کشور در پاریس، لیون و ماریس با استفاده از آزادی های که در کشوری چون فرانسه وجود دارد به نفع افکار بنیادگرایی دست به تبلیغات می زنند، کتاب و کاست و جزوه با بد زبان فرانسه و عربی میان مسلمانان فرانسوی توزیع می کنند و در صد تشو و گسترش اسلامی و اسکا و ضد غرب هستند. اما نباید فراموش کرد که در برابر این جنبش های و اسکا یا نه، دنیای اسلامی، شا هدنهت های مدرنیست، آزادی طلب و مدارا جو نیز هست. این نهضت ها اگر چه ضعیف اند، اما وجود دارند. جز ترکیه که شیعیان آنجا موافق حکومت غیر مذهبی و دمکرات اند، نهضت های مترقی دیگر نیز در میان مسلمانان وجود داشته است. در ایران بهنگام انقلاب مشروطیت و در عصر پهلوی در ترکیه در عصر آتاترک، مسلمانان با نوسازی و ترقی طلبی و برتری حکومت های غیر مذهبی همراهی کرده اند. در کشورهای دیگر نیز چنین جنبش های بدیده آمده است.

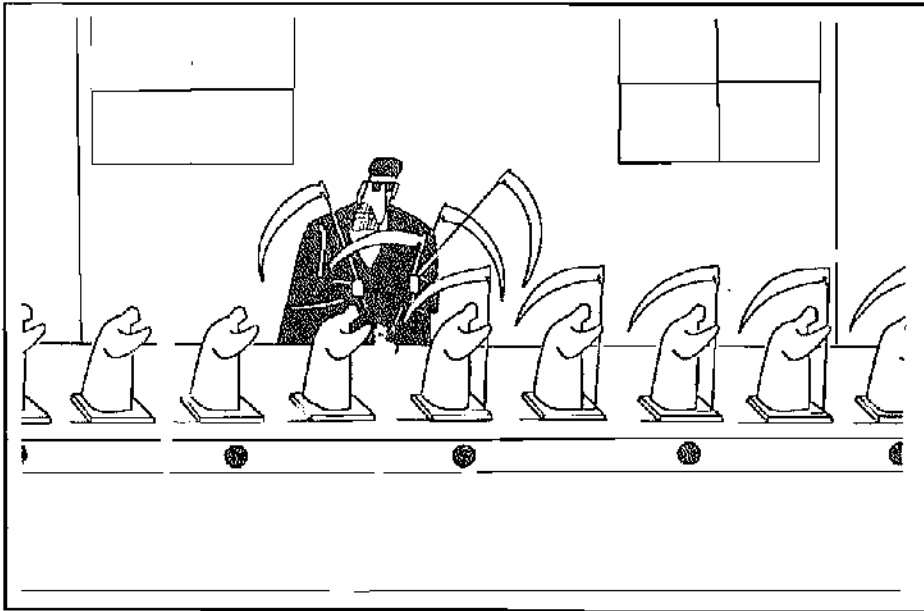
این نهضت ها می توانند ر دیگر اهمیت یابند. مسلم است که این امر به خود مسلمانان مربوط می شود. اگر آزادگان و ترقیخواهان، هر اسکان از خشونت ها و تروریسم بنیادگرایی دم فرو بندند بدیهی است که خطر تضعیف و نابودی این نهضت های آزادخواهان در میان است..."

هفته آینده: عربستان سعودی و نهضت های بنیادگرایی



## تروریسم تبلیغاتی و

## تروریسم دیپلماتیک



"زراشالیان" کارشناس مسائل رگوپولیتیک و استراتژیک سال‌هاست که درباره انواع تروریسم، مطالبه و تائید می‌کند. تروریسم و نبردهای چریکی، "استراتژی نبرد چریکی و "اطلس استراتژیک" از جمله آثار او است.

"زراشالیان" می‌گوید:

تروریسم پدیده‌ای است که باید بدون هراس زدگی و روان بریسی، آن را تحلیل و بررسی کرد و راه‌های مبارزه با آن را یافت. آنچه در پی می‌آید، بخش‌های اصلی مواجهه‌ی وی با تروریسم است "لوموند" است ( شماره ۲۵ و ۲۶ مه ۱۹۸۶)

— در ترکیه به ما، له تروریسم بین‌المللی توجه بسیار دارند. تروریسم بین‌المللی را در چند سال اخیر چگونه یافته‌اید؟

\* تروریسم بین‌المللی در سال ۱۹۶۸ با ربودن دوهواپیمای اسرائیلی شرکت‌ال - عال، توسط جبهه آزادی‌بخش فلسطین، به رهبری جورج حبش آغاز شد. این آغاز سمبلک پدیده‌ای است که من آن را "تروریسم تبلیغاتی" نامیده‌ام. با این کار فلسطینی‌ها از یکسو خودشان را به دنیا نشان دادند و از سوی دیگر به خدمت خود اعتراف کردند. چرا که تروریسم جسانشین شیوه‌های چریکی‌ای می‌شود که فلسطینی‌ها قادر نبودند در سرزمین‌های اشغال شده نشان بکار بگیرند.

در دهه ۱۹۷۰، سازمان‌های بسیاری از فلسطینی‌ها تقلید کرده‌اند. از سپتامبر ۱۹۷۰ پیوسته که سازمان‌های فلسطینی تا گزیرا ترک اردن شدند، لبنان اگر نه بگانه، که مهمترین کعبه آمال سازمان‌های فلسطینی شد. گروه‌هایی تروریستی، عملیات خود را به نفع گروه‌های دیگر سازمان می‌دهند، مانند عملیات ارتش سرخ ژاپن در فرودگاه "لود" تل‌آویو، عملیات تروریسم دولتی با سوئد، در بازی‌های المپیک مونیخ علی‌بنه ورزشکاران اسرائیلی در سال ۱۹۷۲ چهره عام بخود می‌گیرد.

— کارنامه تحول تروریسم چگونه است؟

\* از جهت نظامی، کارنامه تروریسم بسیار ضعیف است. حتی با محاسبه قربانیان امریکایی و فرانسه‌ای در لبنان به گفته سازمان تحقیقاتی امریکایی "راند"، تعداد کشته‌شدگان از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۸۵ در مقیاس مجموعه تروریسم بین‌المللی کمتر از ۴۰۰ تن بوده است.

اما ماهیت تروریسم چیز دیگری است. تروریسم خونت با رترین شکل جنسک روانی است. و این پدیده‌ای است بنیادی که رسانه‌های گروهی نیز در آن دیده بزرگش کرده‌اند. پدیده‌ای است که به آن بیش از حد لازم بها داده‌اند، اما بهر حال دولت‌ها باید آن را جدی بگیرند.

در همه موارد، هنگامی که از عملیات تروریستی سخن می‌گوئیم، همواره باید ما هیت ایدئولوژی، هدف‌ها، و حامیان هر گروه خاص را مورد در نظر داشته باشیم. پدیده تروریسم نباید موجب روان بریسی گردد. با بدخاطر نشان سازم که پدیده تروریسم هرگز نمی‌تواند ضیانت یک دولت غربی را خدشه دار سازد.

— اخیراً به جریان تازه‌ای از تروریسم اشاره کرده‌اید. حکایت آن چگونه است؟

\* اخیراً "تروریسم تبلیغاتی" روز به روز بیشتر بدوی تروریسمی از نوع "دیپلماتیک" گرایش می‌یابد. این تروریسم توسط بعضی دولت‌ها از طریق استخدام مستقیم یا غیرمستقیم گروه‌های تروریستی و یا صورتاً توسط ما، موران دولتی اعمال می‌گردد. مقصود آن نیست که همه کشورها را تروریستی مزدورند. برخی از آن‌ها مورد "حمایت" قرار می‌گیرند، و عده‌ای تحت "کنترل" قرار دارند. عده‌ای از گروه‌ها استقلال خود را حفظ می‌کنند، و بعضی نیز حامیان خود را عوض می‌کنند. مانند مورد ایونگال که ارتحت الحما یکی عراق به تحت الحما یکی لیبی درآمد.

در میان رژیم‌هایی که از تروریسم به گونه‌ای خاص از دیپلماتیک (اگر نگوئیم از سیاست) استفاده می‌کنند، به ویژه می‌توان رژیم سوریه، ایران، عراق و لیبی را برشمرد.

— تاج عراق و لیبی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

\* با بدمدتی از این عملیات بگذرد، نتایج این عملیات را با پدیس از گذشت مدتی نه چندان کوتاه و نه بسیار بلند، بررسی کرد. امریکا تا پیش از آنکه به لیبی حمله کند، علامت‌های زیادی به لیبی داده بود: از جمله تهدید به حمله مقابله به مثل، تجاوز به محدوده هوایی لیبی، تهدید به تحریم، و سپس عملی با خشن‌ان، اما سرهنگ قذافی هر بار با ادامه دادن به عملیات تروریستی خود به خشم آمریکا دامن می‌زد و بنا بر این می‌بایست منتظر یک پاسخ نظامی باشد. هرگز باید پیش را به اندازه گلم خود دراز کند. اما برگردیم بر سر تائید عملیات

امریکا در لیبی. نتایج این عملیات را تنها در رابطه با عامل زمان می‌توان بررسی کرد. اوردید یک ناظر بی‌طرف، اگر امریکا به سبب این اعمال باید منزوی شود، لیبی نیز ضمن منوشت را با پدیده شده‌اند. همه این‌ها کونده‌ای رخ داده‌اند که کوبی نهایتی توسط دوازیگر افراطی در حضور اکثریت منفعلی از تماشاگران بازی نده است. تماشاگران متوسط الحالی که هم از تماشاگرانی پنهانی یک طرف، وهم از خم و نفرت‌سی حامل طرف دیگر لذت می‌برند.

— آیا عملیات امریکا به قصد نادانی سر می‌برد؟

\* بنظر من، آری. به یاد داشته باشیم که این اولین جنک سرهنگ است، واقعه‌ای که از نظرمیزیکی با نتیجه تفاوت دارد. تهدیدهای تلافی‌جوانانه سرهنگ قذافی در منطقه مدیترانه‌ای جامه عمل پوشیده‌اند و او خود به انزوی نسبی خود در جهان می‌بهرده است. این راه اضافه کنم که رهبر لیبی برخلاف عقیده‌ای که عمومیست یافته است، از هیچ کس حرف شنوی ندارد. کمان می‌کشد که این دیدگاه وجود یک توطئه تاریخی، که غالباً در توضیح تروریسم به آن برمی‌خوریم، و حاکی از آن است که سراسر مجموعه تروریسم یا رشدهای سرخ بهم می‌پیوندد، و نیز این که متحدان شوروی در عین حال نقش پیاپی‌ها را دارند. هیچ روی از تحلیلی جدی برخوردار نیست. حافظ‌اند، رئیس دولت سوریه به هیچ وجه از اتحاد شوروی خط نمی‌گیرد. اگر او در کنار شوروی است، دقیقاً از آن روست که غذا می‌کشد. شما راهی مخالف شما در این طرف باشد، شما راهی جز این ندارید که در کنار شوروی قرار بگیرید. در بعضی موارد خاص، وضعیت به دو قطبی شدن هم منجر می‌شود.

### چهره یک تروریست مسلمان

### میخواره، عاشق پیشه و ماجراجو

هفته‌نامه "اون مان" چاپ پاریس، چهره یک تروریست حرفه‌ای را که تا قبل چندینم گذاری خون بار بوده است، در شماره تازه خود، ترسیم کرده است. "اون مان" می‌نویسد: این تروریست حرفه‌ای که چند هفته پیش در شهر "نانتی" در فرانسه با زداشت شد، حبیب معمر نام دارد که جوانی است عاشق پیشه و شراب خواره که بمب‌کار می‌گذارد.

توجه شما را به گزارش هفته‌نامه "اون مان" درباره زندگی و رفتار و کردار این تروریست حرفه‌ای که به سبب یروگویی اش به دام پلیس افتاده است، جلب می‌کنیم.

"اون مان" می‌نویسد:

در آغاز تصور می‌کنیم که حبیب معمر، یک حرفه‌ای غیرعادی است که گذشته‌ی تیره و وسایله‌آلود را در زیر زمین گذرانده است.

هنگامی که در روز ۱۱ مه گذشته به گناها ن خودا قرار می‌گیرد، هیچکس حرف‌هایش را با ورنمی‌کرد: چگونه

است که این جوان ماجراجو هنوز ۲۵ سال هم‌ندارد و معتاد ترسو نیست محتاط است، خودش را از سوداگران با زار تروریسم بین‌المللی و انبوه کند؟ اما درست است با آنکه او هیچ آرمان سیاسی ندارد، خود را مزدور یک جنبش نامعلوم فلسطینی می‌خواند. حبیب از ذکر جزئیات دروغ نمی‌ورزد. وی تعریف می‌کند که روزی در یک میخانه در شهر "تولون" به یکی از نزدیکان ایونگال فلسطینی برمی‌خورد که مدارک شناسایی وی را با دوگذرتا مه مراکشی عوض می‌کند و برای کار گذاشتن یک بمب ۳۰۰۰ دلار به او پیشنهاد می‌کند و حبیب نیز بمب‌را که در جیبش جا سازی شده از یک کشور خاورمیانه‌ای به اروپا می‌آورد. حبیب همه نام‌ها را به پلیس می‌گوید و حتی سوئ قصد تا فرجا می‌را که هیچکس جز پلیس از آن خبر ندارد، به خود نسبت می‌دهد.

این جوان یکی از ده‌هزار تنی که خانواده است که ظاهراً هیچ سوئ ظنی به او نمی‌رود، آدمی است گمنام، می‌توان

گفت که به تصادف فرمه به نام او مامیت کرده است، پرونده قضایی اش پاک است. عضو هیچ حزبی نیست. با هیچ گروه افراطی رفت و آمد ندارد. هیچکس تعقیب نمی‌کند. به صورت ناشناس به آلمان، اسپانیا، انگلستان و حتی به لیبی سفر می‌کند. در لیبی یک دوره آمادگی می‌بیند. هر چه در آغاز به عنوان مکانوگراف استخدام شده، اما اکنون به مقام بمب‌گذار رسیده است. و هیچکس چیزی از او ندیده و نمی‌داند.

حبیب معمر درباری برسی، به چهار رفتگره بمب‌گذاری اعتراف می‌کند که سه فقره آن‌ها را در فروشگاه‌های اسپانیا، انگلستان و اندلسینسر کار گذاشته است: اولی را در سال ۱۹۸۳ جلوی در ورودی فروشگاه می‌گذارد که بر اثر آن دو نفر جراحت سطحی می‌یابند. همان سال در یکی از شعبه‌های این فروشگاه در پاریس بمب دیگری می‌گذارد که کشت وختنی می‌شود. و سومی سوئ قصدی است که در سال ۱۹۸۵ در پاریس به مرکز نگهبان فروشگاه و زخمی شدن چهارده نفر منتهی می‌شود. قدمیونبست معتقدند که باید با رئیس این فروشگاه زنجیره‌ای بجنگند چرا که او را یکی از پایه‌گذاران دولت یهودی دانند اما بغیر از ما رگزانند اسپینسر، حبیب در سال ۱۹۸۴ پس از آنکه از گذاشتن بمب در دفتر هواپیمایی ال‌عال که به نندت

از آن مراقبت می‌شود منصرف می‌شود، بانگ اسرائیلی "لیوسی" را طعمسه خود قرار می‌دهد.

حبیب از چشم همسایگان خود در شهر فرانسوی نانتی جوانی ست‌مؤدب و از میان جوان مرتبه به‌شمار می‌رود. او که در شهر "بیزرت" در تونس بدنیا آمده است، در ۱۹ سالگی خانه پدری را ترک می‌کند و به موصل می‌رود تا با چهار برادر بزرگش در آنجا هستند زندگی کند. در ۲۱ سالگی به مزدوری شخصی بنام ابوابراهمیم (از مخالفان سازمان آزادی‌بخش فلسطین) درمی‌آید، تعداد زن برادرش را که بخاطر شرکت در نزاعی خونین در زندان بصری برده فریب می‌دهد. در سال ۱۹۸۲ برای گذراندن تعطیلات آخر هفته با او به لندن می‌رود. هنگامی که خبر انفجار در فروشگاه مارکز اندلسینسر از امواج خبری بخش می‌شود او که سرش از ویسکی گرم است به دخترک قرار می‌کند که: من بمب را کار گذاشته‌ام سال بعد از تعداد می‌خواهد که به جای او بمبی را کار بگذارد. دخترک در آخرین لحظه که قصد ترک محل بمب‌گذاری را داشته، بمب را خنثی می‌کند. البته این سروسفرها مانع از آن نمی‌شود که حبیب وسعاد صاحب دخترک کوچولویی نیز بشوند.

هنگامی که حبیب در اوایل سال با

# فرهنگ ایران

آشنایی با متون فارسی

## هفت بیگانه نظامی

### مجموعه زیبایی‌ها و شگفتی‌های هنر داستان‌سرایی

محمد جعفر محجوب

مردم به هفت آسمان و هفت طبقه زمین و هفت سیاره و هفت فلز قائل بوده و زمین را مرکب از هفت اقلیم می‌دانستند و میان این پدیده‌های هفت‌گانه روابطی برقرار می‌ساخته‌اند. آنچه از این اعتقادات تا امروز درگاه شماری ملت‌های کونا کون جهان باقی مانده "هفت" است. دره‌های دنیا باها، خواه نصی و خواه تمی، به هفت‌ها تقسیم می‌شود و هر یک از روزهای هفته به سیاره‌های و فلزی خاص منسوب است و رنگ ویژه خود را نیز دارد. همان‌گونه در زبان فرانسوی دوشنبه را روزناه و سه‌شنبه را روزمربخ و چهارشنبه را روز زهره گویند. در نزد فرانسویان شنبه روز خورشید و یکشنبه روز خاست و حال آن‌که در زبان انگلیسی شنبه روز زحل و یکشنبه روز خورشید است. اگر هفت روز هفت‌ها به ترتیب از شنبه تا جمعه (سه آیین مسلمانان) بگیریم رنگ‌های وابسته به هر روز و هر سیاره به ترتیب نیلگون، زرد، آبی، نارنجی، سرخ، بنفش و سبز، یعنی رنگ‌های طیف خورشیدی است. هفت فلز وابسته به این هفت سیاره نیز عبارت بوده‌اند از: زر، سیم، قلع، مس، سرب، آهن و چوبه که به ترتیب به افتاب، ماه، اورمرد (مشتری)، ناهید (زهره)، گیوان (زحل)، بهرام (مریخ) و تیر (عطارد) نسبت داده می‌شوند.

داستان ساختن قصرها و گنبد‌های رنگارنگ با بقایای سخت قدیم دارد و به دوران شاهنشاهی مادها می‌رسد. به روایت هرودوت دیاکو شاه ماد شهرمندان را ساخت و در آن قصری برآورد که هفت حصار و هر حصار رنگی خاص داشت. این نوع رنگ آمیزی را در سابل از علامات شاه‌ها و هفت‌گانه می‌دانستند و معروف با بل نیز همین گونه رنگ آمیزی شده بود و رنگ کردن هفت حصار همدان تقلیدی از آن به شمار می‌رفت.

هفت‌گانه اختصاص یافته است. نظامی خود می‌داند و با احترام تمام می‌گوید که پیش از او و فرودوسی سرگذشت بهرام را به نظم آورده است؛ هرچه تاریخ‌سرایان بعد در یکی نام اختصار، آن بود جا بجا اندیشه‌ای رسیده است. همه را نظم داده بود درست مانده زان لعل ریزه‌لحنی کرد. هر یکی زان تراشه چیزی کرد. من از آن خرده‌خون گهرسجی بر سرانیدم این چنین کجی آنج از او نیم گفته بد، گفتم.

گهرنیم گفته را معنی به همین سبب نظامی می‌گوید تا آنچه را که فرودوسی ناگفته گذاشته است بسراید. با این حال، برای شاعر - هیچ را هم جز سخن گفتن از زندگی بهرام - ولو به اختصار - وجود نداشت. از همین روی آنچه را که فرودوسی به تفصیل دربار بهرام در شاهنامه آورده است، از فرستادن بهرام به عربستان و نزد نعمان بن منذر، و سپردن ایرانیان پادشاهی کشور را به سیدی خسرو نام، و آگاهی یافتن بهرام و طلب کردن تاج و تخت، و رسیدن تاج‌شاهی از میان دوشیزدانشده و حوادث دیگری که در تاریخ زندگانی بهرام پنجم پادشاه ساسانی، معروف به بهرام گور، آمده است. نظامی با اختصار تمام شرح می‌دهد تا بدان جا می‌رسد که بخشی از داستان بهرام از سوی فرودوسی ناگفته مانده است، و آن این است که بهرام در آن هنگام که در عربستان می‌زیست و نعمان کج خورشید را برای وی ساخته بود: روزی رسید به بود ز دست شاه ز خورشید به گرمی می‌گفت. ممرهای خاص دید در بسته ز خورشید به گرمی می‌گفت. خازن از جستجوی آن رشته بهرام می‌برد چو در این حجره بسته است؟ سپس سرای دار را می‌خواهد تا کلید در آن خانه را بدو دهد. شاه در را می‌گشاید: خانه‌ای دید چون خزانه کج. چشم بیننده ز جواهر سنج خوسر از مبدکار خانه چنین نفس آن کارگاه دست‌گزیس... هفت بیگرد آن نگاشته خوب. هر یکی زان به کشوری مسووب... هر یکی با هزار ریشایی گهر افروز نور سینی در میان. سیکری نگاشته بفر. کان همه پوست بود وین همه مفر بر نوشته دبیر بیکر او. نام بهرام گور بر سر او کاجان است حکم هفت اختر. کاین جهان جوی خون برآرد سر هفت زاده را هفت اقلیم در کنار آورد حو در نیم و نویسنده در زیر آن شاه بید کرده بود که ما این گفته‌ها را از خود نگفته بلکه از احکام کردش اختران آن شاه دست آوردیم. بهرام از دیدن این حجره بسیار شاد می‌شود و بیرون می‌آید و در آن را می‌بیند و به خازن شاه می‌گوید که دیگر در آن را بدوی کسی نگشاید.

هر یک از اقلیم‌های هفت‌گانه، زمین نیز به یکی از این ستاره‌ها و رنگ‌ها و روزها و فلزها بستگی داشت. اکنون و با توجه به آنچه گفته شد می‌توان دریافت که مثلاً چرا در هفت بیگرد آمده است: "نشستن بهرام روزنمید در کنبد سیاه و افسانه گفتن دختر با دانه اقلیم اول." "نشستن بهرام روزیکشنبه در کنبد زرد و افسانه گفتن دختر با دانه اقلیم دوم." و بر همین ترتیب تا روز هفتم (آدینه) که بهرام در کنبد سبید می‌نشاند و دختر با دانه اقلیم هفتم داستان می‌سراید و جندی بس از یایان بافتن افسانه‌ها و کتاب نیز به یایان می‌آید. پادشاه هر نخستین شب را که در داستان شاهزاده‌دخانی بسرمی‌گذرد از او درخواست می‌کند که برای وی افسانه‌های ساز کند و آنان همگی پس از درود به شاه و ادای احترام نسبت به دوداستانی می‌گویند. این هفت داستان هفت نمونه از بهترین داستان‌های کوتاه زبان فارسی است که بعضی از آن‌ها، بی‌هیچ اغراق و کژافزای، با بهترین داستان‌های کوتاه دنیا برابری می‌کند. هرگاه خود در آغاز هفت بیگرد می‌گوید که این داستان‌ها را از گوشه و کنار، از سو و دیوار و طبرستان فراهم آورده است. با این حال سان تا خورزسا و در عین حال ساده، نظامی در هفت بیگرد کشتن و زیبا می‌آید آن‌ها را دوچندان کرده است. هرگاه زاده خانم طوری داستان خود را طرح می‌کند و به یایان می‌آورد که با رنگ‌گنبدی که در آن سکونت دارد متناسب با خود در یایان آن نیز رنگ‌گنبد خود را از سایر رنگ‌ها برتر می‌نهد و سخنانی در امتیاز آن نسبت به سایر بیگردان می‌گوید. علاوه بر این هفت قصه که در هفت بیگرد آمده است، در متن سرگذشت بهرام نیز داستان‌های دیگری وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها یکی "داستان بهرام با کینیزک خویش" پیش از آغاز داستان‌های هفت‌گانه و دیگری داستان بندگرفتن بهرام از رفتار میان وریدگی به کار وزیر ستمکار خویش و کشتن او است که پس از پایان داستان‌های هفت‌گانه آمده است. نویسنده "این سطور، هفت بیگرد را شا هکار نظامی می‌شناسد و سال‌هاست که بر این عقیده است. البته این عقیده‌ای است شخصی و ممکن است گروهی با آن موافق نباشند، اما آنچه هیچ در آن تردید نیست این است که باید شا هکار نظامی را در میان دوا شتر وی: خسرو شیرین و هفت سیکر جستجو کرد و هیچ یک از کتاب‌های دیگر نظامی، به دلایل مختلف، در ردیف این دوا شتر را نمی‌گیرد. با آن که تمام داستان‌های هفت بیگرد زگفتنی و قابل نقل و مفرقی است، لیکن چون امکانات محدود است پس از این یکی از آن داستان‌ها، داستان شب اول و گنبد سیاه را که در عین حال از زیبا ترین داستان‌های هفت بیگرد شمرده می‌شود در شماره آینده به خوانندگان عزیز تقدیم می‌کنیم.

چون بهرام بد پادشاهی می‌رسد، و او پادشاهی است که هم فرودوسی و هم نظامی از مردم دوستی و دادگستری و کفایت و لیاقت و کاروانی و لشکر آراشی او بسیار تعریف می‌کنند، پس از آرام ساختن مملکت و سرکوب کردن دشمنان به یاد آنچه در یکی از حجره‌های قصر خویش در عربستان دیده بود افتاد، و هفت نما پندیده به سوی پادشاهان هفت اقلیم فرستاد تا دختران ایشان را برای خود خواستاری کند. نظامی نام این دختران و نام کشورشان را نیز در ضمن شرح صورت هفت بیگرد به دست می‌دهد. آنان عبارتند از: دختر رای هند به نام فورگ، دختر خاقان چین، که یغماناز نامیده می‌شود، نازیری دختر شاه خوارزم، نسربین نوش دختر سقلاب‌شاه (مردادشاه روس است چون سقلاب معرب کلمه، اسلاو است)، آرزویون دختر شاه مغرب، همای دختر قیصر سورانجام دختر کسری از نسل کیکاووس موسوم به دژستی. پادشاهان هفت اقلیم همه با دادن دختر به بهرام موافقت می‌کنند، بهرام نیز برای اقامت هر یک از ایشان گنبدی می‌سازد و آن را به رنگی خاص می‌آراید.

عدد "هفت" در ایران بلکه در جهان قدیم عددی بسیار مهم شمرده می‌شده است. قرن‌ها و هزاره‌ها

نظامی گنجوی، بزرگ‌ترین شاعر داستان‌سرای ایران دارای پنج کتاب منظوم است که آن‌ها را در اصطلاح "خمسه" یا "پنج گنج" می‌نامند. این پنج کتاب، به ترتیب تاریخ سروده شدن، بدین شرح است: ۱ - مخزن الاسرار - ۲ - خسرو و شیرین - ۳ - لیلی و مجنون - ۴ - هفت بیگرد یا بهرام نامه - ۵ - اسکندرنامه. آخرین کتاب نظامی - اسکندرنامه - دارای دو بخش جدا از یکدیگر است و تا عربی‌نخستین را که شرح جهانگیری‌های اسکندر است "شرف‌نامه" و بخش دوم را که داستان جهانگیری او و محتوی آداب و آئین پادشاهی و مردم‌داری است "اقبال‌نامه" نامیده و هر یک از آن دو بخش را به یکی از حکم‌رانیان پیشکش کرده است. با آن که در تمام این کتاب‌ها از داستان و داستان‌سرایی و بزم آرای می‌توان نشان یافت، اما مخزن الاسرار - که از نظر شعری دوا شترین اثر نظامی نیز هست - در حقیقت کتابی است عرفانی و موقیانه و بسیار اندک مسامحه‌ای می‌توان از نظر مضمون و معنی، آن را در ردیف مثنوی‌های سنا و عطار قرار داد. در داستان سیدی - خسرو و شیرین و لیلی و مجنون - هر دو داستان عاشقانه است و گویا خسرو و شیرین نظامی معروف‌ترین اثر وی نیز باشد و گروهی از محققان و اهل ادب آن را شا هکار نظامی دانسته‌اند. در داستان خسرو و شیرین، یک داستان عاشقانه، فرعی دیگر نیز مطرح می‌شود و آن داستان عشق فرهاد به شیرین است که در حقیقت صحنه‌های عاشقانه واقعی کتاب را تشکیل می‌دهد. عشق فرهاد به شیرین نیز مانند عشق مجنون به لیلی به ناکامی و مرگ عاشقان منتهی می‌شود. هم خسرو و شیرین، و هم لیلی و مجنون دارای صحنه‌های بسیار زیبا و موه‌تر هستند که می‌توان به شیوه‌های از شا هکارهای جا ویدان شعر فارسی است. چون سخن اصلی ما در این گفتار، درباره هفت بیگرد است، نخست، و پیش از نوشتن، چند کلمه‌ای نیز در باب اسکندرنامه می‌گویم و سپس بر سرگفتگو از هفت بیگرد می‌رویم. اسکندرنامه در حقیقت اثر حماسی نظامی است. با آن که نظامی هم در خسرو و شیرین و هم در هفت بیگرد به تحلیل استاد طوس فرودوسی پرداخته و با احترام فراوان از او سخن گفته است، اما کتابی را که به پی‌روی مستقیم از شاه نامه فرودوسی سروده و در سرودن آن به حماسه‌ها و جا ویدان نام‌ها در طوس نظر خاصی داشته اسکندرنامه است. اکنون مقام بیش از این سخن گفتن در این زمینه نیست، فقط گوئیم که نظامی اسکندرنامه را در پایان عمر و در منتهای پختگی طبع و بلاوغ ذوق و هنر خویش سروده است و انصاف، از نظر زیبایی لفظ و فصاحت و روانی بیان و سادگی شعری توان اسکندر نامه را از تمام آثار نظامی برتر دانست، و شاید از همین روی است که این کتاب در میان فارسی‌زبانان غیر ایرانی بیش از هر کتاب دیگری نظامی شهرت دارد و مثلاً در هند و پاکستان بر شرف‌نامه و اقبال‌نامه نظامی شرح‌های فراوان نوشته شده و بخش‌هایی از آن را در جزوه درس‌های مقدماتی طالبان علوم دینی برای آموزش زبان فارسی قرار داده‌اند. با این حال، در ایران اسکندرنامه به اندازه دیگر آثار نظامی شهرت نیافتد است و ظاهراً علت آن این است که مردم ایران اسکندر را دوست نداشته‌اند و نمی‌دانند. تا دوران ساسانی وی را اسکندر گجسته ( = بلعون و بطرود ) می‌خواندند. بعد از اسلام نیز با آن که کتابی که مدینه هجوم‌های اسکندر بدیشان نرسیده بود برای اوداستان‌ها ساختند و حتی او را به بنگمیری رساندند، اما کسی اسکندرنامه، نظامی را نخواند تا بدان جا که اگر تمام کتاب‌های نظامی یک جا و در یک مجلد چاپ نمی‌شود هر یک جداگانه است و اسکندرنامه باقی‌تعداد خواستاران و خواستارانش را اسکندرنامه ده یک دوستداران خسرو و شیرین و لیلی و مجنون و هفت بیگرد نیز نبود. نظامی تمام شرایط سخنوری و استادی در فن شعری را در سرودن اسکندرنامه برآورد کرده، اما قهرمان داستان را درست انتخاب نکرده است. اگر تمام مردم دنیا اسکندر را دوست بدارند و وی را "اسکندر کبیر" بخوانند، ایران نیز با وی اوراد دشمن خواهد داشت.

هفت بیگرد، با بهرام نامه، یا هفت گنبد چهارمین کتاب نظامی است. نظامی سرودن آن را در سال ۵۹۲ هـ/ ۱۱۹۷ م. به یایان آورده و آن را به فرمان روی مومنه تقدیم داشته است. این کتاب جمعا "دارای ۵۱۳ بیت است که نزدیک دوهزار بیت آن در آغاز داستان، یعنی مقدمه‌های معمولی کتاب و شرح زندگانی بهرام گور است. پس از آن هفت داستان کوتاه در کتاب آمده است (شرح آن خواهد آمد) و پس از یایان یا فتنن آن داستان‌ها با ۶۶۴ بیت دیگر سرگذشت بهرام به یایان می‌آید. در حقیقت نیمه از این کتاب به شرح زندگی بهرام گور و نیم دیگر از آن به گفتن داستان‌های

## نمایندگان مخالف دولت حق سخنرانی ندارند

می کند و در تلفنی که آقای حسینی به سیاه با سداران زده بود شدیدا " سیاه راز بر سوال بردند که سدا حق ندارد این فرد را دستگیر کنند.

سپس وزیر کشور گفت این با شستوهای کسب از سوی نماینده مجلس داشته وارد صفوف نماز جمععه میشود و با دیگران این اعلامیه را بخش می کنند که در آنجا طبق دستوری که نیروهای انتظامی داشتند که سربازان فراری را بدستگیر و تحویل وظیفه عمومی کردند فرما نداد سیرجان از سربازانی صحوا هد که این فرد متخلف را دستگیر کنند و تحویل وظیفه عمومی بدهند و این کار صورت می گیرد و بعد از نماز جمععه هم اعلامیه ها در اختیار سیرجان از زمان تبلیغات اسلامی قرار می گیرد.

وزیر کشور افزود آنچه که در ستاد دهه فجر سیرجان صحبت شده این است که با توجه به جوی که در آنجا حاکم است صحیح نیست مردم توقع ندارند و نمیتوانند تحمل کنند یک نماینده ای که شهرت پیدا کرده در گذشته با دولت آقای موسوی مخالف بوده مردم نمی پذیرند که چنین فردی در دهه فجر بیاید اینجا سخنرانی کند بر این اساس برای اینکه جلوی تشنج و آشوب و تنش گرفته بشود صلاح نمی دانیم که ایشان در اینجا سخنرانی کنند. علیرغم اینکه در ستاد دهه فجر در شهر سیرجان این تصمیم گیری صورت گرفته و مدعوبین مشخص شدند و سخنرانان هم تعیین گردیدند و دعوت شده است و تبلیغات خودش مستقلا رفته است یک سری افراد را دعوت کرده است از جمله سیرجان عزیزمان آقای با آید میچان را و این سخنرانی هم در روز بیستم بهمن ماه در آن شهر صورت گرفته و آقای با آید میچان هم در جمع اندکی سخنرانی کردند.

در حالیکه در آن روز هزاران نفر از مردم شهر - زم جبهه ها بودند و در خیابان ها رژه می رفتند و فریاد می زدند ما با تدبیر و درایت این امنیت را برقرار کردند و اجازه ندادند که هیچگونه تشنجی در شهر ایجاد بشود.

پس از توضیحات وزیر کشور نماینده سیرجان به دفاع از خود پرداخت و گفت آقای وزیر کشور بنده را متهم کردند که از سربازی فراری حمایت و کفالت کردم این مسئله را ایشان باید ثابت کنند. آقای وزیر محترم کشور این دروغ و تهمت است و گزارش خلاف واقع بمشرف شما رسانده. و اینکه میفرمایند و را می که فرمایید حضرت آیت الله العظمی منتظری روی آن چاپ شده بعد از نماز جمععه توزیع شده است در حالی که این دروغ است و دوروز بعد توسط پسر رئیس عقیده سیاهی شهرتانی از توقیف شهرتانی خارج شدند بنا بر این من از توضیحات وزیر کشور قانع شدم و سؤال را به کمیسیون سئوالا ت راجع مینمایم.

آن گروه از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در این نشستگاهام معرفی مجدد آقای میرحسین موسوی بعنوان نخست وزیر به او را می اعتنا نداده اند، همه جا با حملات و هجو و توهین های حزب اللهی ها و طرفداران نخست وزیر و بربر و هوسا هستند. دشواری این گروه مدتی که گذرای کسود و ممتنع به موسوی داده اند از آنست که آیت الله خمینی پیش از معرفی دوباره آقای موسوی بعنوان نخست وزیر بدلت مخالف شدید مجلس با وی، سه بار پیش از آن که سیرجان از " دولت خدمتگزار و متعهد و مو" من " دفاع کرد. گروهی از نمایندگان مجلس اسلامی طی نامه ای خطاب به آیت الله خمینی یادآور شده بودند: " به علت وضع فوق العاده مملکت و تاء کید قانون اساسی بر آزادی رئیس جمهوری در معرفی نخست وزیر و با توجه به عملکرد دولت در گذشته ... از رهبرانقلاب درخواست " رهنمود و ارشاد در این باره " و خمینی در نامه جوابیه خود به این گروه نمایندگان، با رد دیگر تاء کید کرد که: " در حال حاضر سیرجان برای حفظ وحدت و جلوگیری از تبلیغات سوء دشمنان، بهتر آنست که دولت متعهد و مو" من بسر سرکار باقی بماند.

بدین ترتیب پس از رای گیری، این نماینده مخالف با دولت به صورت مخالف با ولی فقیه مورد خشم قرار گرفتند. بسیاری از آنان در هفته ها و ماه های بعد در حوزه های انتخاباتی و با درمجامع مورد شدیدترین تازاها قرار گرفتند. تنی چند از آن میان به دست " امت حزب الله " مضر و مدموم شدند و با این همه هنوز درگیری با این نمایندگان مخالف دولت مابین نیافته است. در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در روز ۲۵ اردی بهشت ماه، آقای سید احمد حسینی نماینده سیرجان و مخالف دولت، ناچار از طرح سئوال از وزیر کشور رژیم شده است. این شرح را از روزنامه کیهان (چاب تهران) مورخ ۲۷ اردی بهشت ماه می آوریم. تا گوشه ای از فضای جنبدستی و درگیری ها را در درون حاکمیت آخوندی روشن تر کرده باشیم.

در بیان جلسه بربروز (پنجشنبه ۲۵ اردی بهشت) سید احمد حسینی نماینده سیرجان از وزیر کشور سئوال خود را در رابطه با علت توقیف او را ق منتشره از طرف سازمان تبلیغات اسلامی سیرجان مطرح کرد و چنین گفت: " سازمان تبلیغات اسلامی سیرجان در تاریخ جمعه ۶۴/۱۱/۱۸ یکی از فرمایشات آیت الله منتظری را تکثیر و منتشر نمود. عین فرمایش عظمی له چنین است: " بسده تعالی حمله بنمایندگان مجلس و شما را علیه آنان تضعیف مجلس وقوه مقننه است و علاوه بر حرمت آن مخالف نظر شخص امام مدظله نیز میباشد چنانچه آقایان رعایت شرعی و اخلاقی را بنمایند. " سئوال ما این است طبق چه قانونی آقای فرما نداد سیرجان در روز جمععه در ملا عام هائشند دادستان دستور می دهد و همانند ضابط خود و در مرحله اجرا می شود و او را ق منتشره از طرف سازمان تبلیغات را که فقط فرمایش حضرت آیت الله منتظری را منتشر کرده بودند جمع آوری می کنند و فوراً توسط رئیس شهربانی سیرجان آن او را ق توقیف می شود که بعد از ظهر آن را از توقیف خارج می سازند. (...)?

سپس جهت اعلام معضتی وزیر کشور به سئوال مطرح شده پاسخ داده گفت اعلامیه ای به امضاء انجمن های اسلامی دانش آموزان سیرجان مدت یکماه و اندی پیش چاپ شده بود و در سطح گسترده ای در منطقه توزیع شده بود.

شما می دانید که ستاد های نماز جمععه برای کنترل و نظارت و برقراری نظم و انضاط در سراسر شهرستان ها و شهرها می که نماز جمععه برقرار است تشکیل میشود. در ستاد نماز جمععه فرما نداد سیرجان هم عضویت دارد. در آن ستاد که ما هم جمعهم نظر را در گذشته تصمیم گیری شده بود که هرگونه بلاکار و اطلاعیه و اعلامیه ای باید با نظر ستاد نماز جمععه و موافقت آن توزیع بشود تا خطای در نظام نماز جمععه پیش نیاید. و این اعلامیه در آن ستاد مطرح نشده بود. و وقتی که در آن اعلامیه ها از افراد که آن را توزیع می کردند گرفته میشود و بعد آن ها تذکر داده میشود که بعد از پایان نماز جمععه تحویل ستاد داده میشود که این کار هم صورت گرفته است.

وزیر کشور پس گفت: سربازی که ۳ سال از رفتن به سربازی غیبت کرده و در تاریخ ۶۴/۱۱/۷ این سرباز به وسیله شهربانی دستگیر و به اداره وظیفه عمومی تحویل داده میشود. برادرمان آقای حسینی با این موضوع مخالفت کردند و آمدند با کفالت و ضمانت این سرباز وظیفه را که ۳ سال غیبت کرده آزاد کردند تا اینکه خود این فرد بیاید و برود خودش را معرفی کند. بعدا هم این سرباز فراری حاضر شده است خودش را معرفی کند و تخلف کرده و این سرباز در سازمان تبلیغات اسلامی سیرجان که به سرپرستی آقای حسینی نماینده مجلس است کار



## فصلنامه سهند منتشر شد

شماره های ۵ و ۶ فصلنامه سهند در یک مجلد طبع و نشر شده است. با این شماره، فصلنامه دومین سال خود را آغاز می کند و شورای نویسندگان یک بار دیگر در " سراز " تاء کید می ورزد.

" ... قدهما ایجاد یک جنبش فکری در فضای اندیشه و روان ایرانی است و افزا ر دست یابی به چنان هدفی، عرفه داشت سلسله مقالاتی است که به بطور هما هنگ و در بیوندا یکدیگر، اندیشه ملی را پشتیبان یا شد ... سهند، بر این وعده خود پایدار ایستاده است، چنانکه در همین شماره سهم عمده موضوعات مورد بررسی در اطراف " جنبش های ملی و جابگه اجزاب ملی "، " پیرامون ملت و ملیت "، " روایتی دیگر از ملت " و " در آسندی بر مفهوم ملت " دور می زند.

فصلنامه، در این شماره به ترجمه و نشر دو داستان کوتاه از دینوبوزاتی نویسنده سرشناس ایتالیایی اقدام کرده است که اقدامی درخور توجه است زیرا مجله ای در ۲۷ صفحه نیاز به فضا های دلنشین دارد به ویژه این که این دو داستان بوزاتی از نظر موضوع بسیار هشیا رانه برگزیده شده است.

" سهند " را میتوان ارگان فکری همه کسانی دانست که در جستجوی نظریه ای جنبش ملی و فکر سیاسی ملی بدتاء مل می پردازند و بر سر آندند تا بانفی پروژه های غیر ملی و ضد ملی از هردست و هراتق سیاسی، بنیاد های اندیشه ملی را بنا گذارند.

داستان موش ها، اثر بوزاتی را از سهند شماره ۵ و ۶ در زیر نظر می کنیم:

## موش ها

نویسنده: دینوبوزاتی

ترجمه: شیرین خجسته

ما برای کوریوها چیست؟ در خانه ها قدیمی شان خارج از شهر " دوگنلا " چه می گذرد؟ از آنها پیش هرتا بستمان میهمانم می کردند، اما امسال برای نخستین بار بی خیرم گذاشته اند.

نامه چووانی هم چیزی را برایم روشن نمی کند، نامه ای غریب که تنها در چند سطر به مشکلات و گرفتاری های خانوادگی اشاره ای مبهم می کند و دیگر توضیحی نمی دهد.

امروز برای نخستین بار بنا که آن خود را با خاطره های قدیمی رودر رو با قسم و پیش آمده ای که در آن دوران جزئی و پیش پا افتاده بنظر می رسید درنگی

دیگر گرفته اند. مثلا" این یکی، در یک تابستان دور، مدت ها پیش از این که دومین باری که میهمان کوریوها بودم... در اطاقم که طبقه دوم خانه قرار داشت و پنجره اش رو به باغ بازمی شد - همان اطاقی که سال ها قبل از تولد من بود و آما ده خواب می ندم که ناگهان صدای خفیفی شنیدم. از پائین در صدای خرت خرت می آمد.

در را باز کردم. موش بسیار کوچکی از میان با هایم به آن سوی اطاق گریخت و زیر کمد مخفی شد. با ناشی گری فراوانی بیورتمه می رفت، طوریکه به سادگی می توانستم بکیرمش. اما آنقدر زریخت و شکننده بود که ...

صبح روز بعد بی هیچ اندیشه ای تلبسی جریان را برای حیوانی بازگو کردم. با خواس برتی ساخ داد " بنده می دانم، موش ها گنگا ه در خانه کردن می کنند. " - آنقدر کوچک بود... احساس کردم نمی توانم مثل یک آدم ظالم آن را ... - آره، می فهمم... مهم نیست.

و موضوع را عوض کرد، طوریکه بنظر می آید گفته های من آزارش می دهد.

سالی دیگر هم گذشت - تازه وارد خانه شده بودم که چشم به دو گریه بر اقی و با شکوه افتاد. هر دو بر از نیروی خارق العاده بودند، گریه های پلنگی با غفلت نیرو مند و پوست نرم و خملسی، شبیه پوست گریه های که فقط از موش تنذیه می کنند.

به حیوانی گفتم " مثل اینکه با لایحه دست بکار شده ای. حتما " حسابی کشتار می کنند و هرگز با بت بیکاری حقشوار نمی گیرند. " جواب داد " به آگور مجبور بودند فقط از موش تغذیه کنند که به چاره ها تا حال ...

" ظاهرا " که خوب جا ق و چله اند. " - " بله، چون ما از شان مواظبت می کنیم. میدانم، در آشپزخانه هر چه

بخوا هندی خوردند. سالی دیگر هم گذشت. مثل همیشه برای گذراندن تعطیلات تابستان به منزل کوریوها رفته بودم که بار دیگر گریه ها را دیدم. اما هیچ شبی نمی سال گذشته شان نداشتند: همه نیرویشان را از دست داده بودند و لاغر و فرسوده و از نفس افتاده بنظر می رسیدند. دیگر در اطاق های مختلف خانه نمی جریختند، بلکه با حالتی سرافکنده و خاسی از اینکار مدام میان با های اقا و خانم جرت می زدند. نگران شدم.

" گریه ها مریضند؟ چرا اینقدر لاغر شده اند؟ مگر دیگر موش نیست که بخورند؟ "

چووانی کوریو با حرارت پاسخ داد " آئی گشتی! این ها حق ترین گریه های روزگارند. از وقتی در خانه موش پیدا نمی شود به هیچ خوراکی قانع نیستند. میدانی، دیگر حتی یک موش هم در این خانه پیدا نمی شود. " و در حالی که با رضایت می خندید از اطاق بیرون رفت.

کمی بعد، جیورجیو، فرزند ارشد کوریوها دستم را گرفت و مانند کسی که خیال توطئه داشته با شمرابه کناری کشید.

" میدانی چرا می ترسند؟ "

" کی ها می ترسند؟ "

" گریه ها، گریه ها می ترسند. بسدر تا بل نیست در با ره ای صحبت کنیم. آخر تا راحتش می کند. با این حال راستی اینست که گریه ها می ترسند. " - " از چه می ترسند؟ "

" خوب معلوم است، از موش ها، سال گذشته این حیوان های کسیف ده، دوازده تا بیشتر نبودند، اما حالا مدتا هم بیشترند، آن هم نه موش های کوچک با بق، آدمها ورش نمی شود.



# نامه‌ها و نوشته‌ها



چاپ تمام با نسی از با و نوشته‌های خوانندگان گرامی فقط برای منتشر کردن در نظر گرفته شده و سردا نت‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست. با اداری خودکام و بر سر نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان لزوماً به معنای موافقت و عدم موافقت با آن‌ها نیست. این نوشته‌ها صرفاً برای اطلاع درج می‌شوند. اگر کسی عتابه کلمات و عبارات را در نامه‌ها درج کرده باشد، سردار است. نویسندگان نامه‌ها می‌توانند نام خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود با اداری خودکام تا زمان محفوظ بماند. اخرون بر این اساس از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها است به اشخاص و تفرقه‌ها هک مرتب شود و یا به صورت بروکاری نام محفوظ نگردد. مدوررم.

# موش‌ها

بقیه از صفحه ۷

از موش کور هم بزرگ ترند. بشمپایشان هم زخمت و انبوه شده و سرتا پا بیا هند. اصلاح گریه‌ها دیگر چراغ ت نمی کنند. با آنها حمله کنند.

— "و آن وقت شما ها هیچ کاری نمی کنید؟"  
— "خوب معلوم است که با بدکاری کرد. اما پدراملا نمی توانست تصمیم بگیرد. نمیدانم چرا ولی انگار این موضوعی شده که همه کوشش می کنند صحبتش را به میان نیا و رند چون بدررا خشمگین می کنند.

عزیز کوجولو ( از آنها نصرت دارند ولی در عین حال می شنیدند و نمی خواهند دشمنان را برانگیزند.

و این وضع چندین سال دو می ایت ، تا تا بیست و گذشته ، در اشتغال و شنیدن سروصدا ی همیشگی انبیا ری مانده بودم ولی سکوت بر سر ا سرخانه حکم فرما بود. با خود گفتم ، سرانجام به آرامش رسیدیم. صبح روز بعد در راه پله ها به بیورجیو برخوردیم.

سال بعد ما ها از همان شب اول بلند شد ، سروصدا ی تاب و تاب طبقه ، بالاچکان کوبیده بود که سقف را به لرزه در می آورد. به این میمانست که جمعیت دیگری در حال دیدن باشند ، حال آنکه من خوب می دانم طبقه ، بالا خالیست و کسی در آن زندگی نمی کند. آنجا انبیا ری غیر قابل سکونتی است که از زمین ها بگهتند ، صندلی و اشیا بی ارزش دیگر برنده . با خودم گفتم عجب سوار ره نظ می! مشکل اینک موش ها به اندازه خرگوش شده اند! چنان میا هوشی بود که بسختی به خواب رفتیم.

گفتم ، آفرین بر شما اچطور توانستید شرتان را بکنید؟ دیشب هیچ صدایی از انبیا ری نمی آمد.

بیورجیو با لبخندی محورا نگریست و گفت "پس بیا ، بیا بریم تا نشانت بدهم." و مرا بسوی زیرزمین هدایت کرد. در آنجا کودال عمیقی بود که دهانه اش را با تخته ای بزرگ پوشانده بودند.

فرمان سر میز صبحا نه رسیدیم :  
— "آخر صبحا برای این موشها فکسری نمی کنید؟ دیشب در انبیا ری بالاخانه مجلس رقتی بر راه انداخته بودند! و همان دم چشم به صورت حیوانی افتاد ، با حالتی مهیج گفت :  
— "موش ها؟ کدا موشها؟ خدا را شکر که دیگر در این خانه موش پیدا نمی شود.

گفتم ، آفرین بر شما اچطور توانستید شرتان را بکنید؟ دیشب هیچ صدایی از انبیا ری نمی آمد.

بیورجیو با لبخندی محورا نگریست و گفت "پس بیا ، بیا بریم تا نشانت بدهم." و مرا بسوی زیرزمین هدایت کرد. در آنجا کودال عمیقی بود که دهانه اش را با تخته ای بزرگ پوشانده بودند.

## اتحاد نیروهای ملی

صوف ملی مبارزاتی مان را استحکام بخشند ، با پیوستن به نهضت مقاومت ملی ایران قدیمی بزرگ در راه بیروزی ایران برداشته ایم و عدم آن یعنی باز سه دان اجانب اسیر بودن و تحمیل درد فعلی . بیا مید پیروزی نیروهای ملی و ملت ایران و جذب سریع تمامی با زمانهای سر اکنده ، تا سیونا لیست در نهضت مقاومت ملی ایران .

## فریبکاری

گرامی نشریه قیام ایران

به نظر من بزرگ ترین گناه جناح لیبرال روح الله وایوان و انصارش این است که برحمتی مردم سوار شدند و نارضایتی مردم از "آریا مهر" را در خلا فرهنگ سیاسی به یگانگی برای جهش برسکوی قدرت بدل کردند (۰۰۰)

حالا دور از جان شما وزیانم لال دوساره داریم استفاده از احساسات کورو خودجوش و بی محتوای توده را در ورزین نامه شما ملاحظه می کنیم... و آن اینک در نشریه قیام ایران شماره ۲۵ مسلسل ۱۵۰ گزارشگر مربوطه از تهران سیاسی در مورد سید کاظم شریعتمداری فرستاده است که از دست بنده این نوشته پاکزارش بوی سوار شدن بر حقیقت و نا آگاهی و احساسات کورو مردم می آید (۰۰۰)

آیا گزارشگر مربوطه بی شعورای نویسندگان که تصمیم به احاب این گزارش گرفتند نه بر راستی شریعتمداری را آنقدر سیم و درخور توجه می دانند؟ مگر این آقای شریعتمداری در طول این عمر ۹۰ ساله چه کلی بر سر این مردم بیبنا زده است که شما این قدر برایش ننه من غریبم بسازی در می آورید؟ مگر ایشان شریعت از آن توضیح الصائل مربوطه در حساب طهارت و نجاست و حیض و نفاس و ... چه اشعلمی و ادبی و اخلاقی دیگری به طبع رسانیده است که شایسته این همه تمجید و تشریف باشد؟

در هر حال اگر واقعاً دلنا ن بر سرای ملت و مملکت می سوزد مطمئن باشید که شریعتمداری ها و امثال ایشان هیچ کلی بر سر این مردم مرزوبوم نخواهند زد و بداند که :  
پس شما ندست و نما ن در روزگار دل به دنیا در نیندند هوشیار این که در شهنما ها آورده اند رستم و رویشنه تن اسفندبار تا بدانند این خدا و ندان ملک کز بسی خلق است کبیتی یا دگار

والسلام - در راه خدمت به مردم ایران و ایران عزیز موفق باشید  
یک خواننده قیام ( امضاء محفوظ )  
زوریخ - سوئیس

اندکی بعد ، با زهم بیورجیو فرزند ارشد خانواده واقعیت را با من در میان گذاشت .  
— " به حرفهای پدرم توجه نکن ، صدای که شنیدی از دیدن موشها بود ، ما هم خودمان ناگه ای از شدت سروصدا خواب نمی بردیم . اگر آنها را می دیدند ، دیگر موش نیستند ، هیولا شده اند . مثل ذغال سیا به سبهای زخمت و سیخ سیخ ، مثل شاخه های درخت ، راستش در مورد گریه ها هم ... بله ، این موشها بودند که گریه ها را نا بود کردند . یک شب که بخواب رفته بودیم که صدای معمولی وحشتناکی پیدا رمان کرد . نوی سالن طوفانی برپا بود . همگامی از رختخواب با بیا بیرون پریدیم ، اما هرگز نتوانستیم گریه ها را پیدا کنیم . فقط جای خونه گریه پشم کیده شده و لکه های دست دیده می شد .  
— " پس چرا کاری نمی کنید؟ تلها ی ، زهری ... نشی فهمید چرا بدرت هیج اقدامی ..."  
— " نه ، با نظورها هم نیست ، راستش این قضیه برایش مثل کابوس شده . حالا دیگر او هم می ترسد ، و انودمی کنه که بیشتر آن ها را حرکت نکنیم ، مبادا وضع بدتر شود . می گوید در هر حال نتیجه ای هم ندارد چون دیگر تعدادشان خیلی زیاد شده ، به عقیده پدرم تنها کاری که می توان کرد آتش زدن انبیا ری داخل باغ است ... و گذشته از آن ، میدانی چه می گوید؟ ممکن است بنظر شما حقا نه بیاید ، ولی او می گوید بیشتر است چنین آشکار به آنها دشمنی نورزیم ."  
— " با کی ها ؟"  
— " با موشها . می گوید در پیا زود وقتی تعدادشان بیشتر شد بفرقا تنقا جوشی می افتند ، گا های اوقات تصوری کشم که مردم را رد دیوانه می شود . یک شب هنگامی که او و ما در یک سوئیس بزرگ را توی انبیا ری بر تاب می کردند مجشان را گرفتیم ، اندکی خوراکی برای حیوانات

و اکنون حیوانی بر این نوشته است که ... زمین بس نمی تواند تا نشان هها میمانم کند ، چرا؟ برای چه میگردد؟ میلی مقاومت پذیر بر اینها آنگاه می گشاند : تنها چند دقیقه کفایت میکند تا به همه چیزی بیرون چند دقیقه ، همین پس ، اما اعتراف می کنم که چنانچه در انبیا ری در این با به گفته های غریبی شنیده ام ، مثلاً "تعریف می کنند که پدر بزرگ و ما در بزرگ خانواده مرده اند ، که دیگر کسی از خانه خارج نمی شود و یکی از مردان ما بحتاج کوریوها را تهیه می کند ، ولی بسته ها نشان را در هرگز سیشه می نهد . می گویند دیگر کسی نمی تواند وارد خانه شود ، که خانه در اشغال موش های عظیم الجثه است و خانواده کوریو به بردگی آنها در آمده است .

یکی از ده های ها که به ویلانز دیک شده بود ولی نه زیاد ، چرا که یک دو جین از این حیوانات کثیف با وضعی شدیدند آمیز از دورودی مراقبت می کردند - می گوید که خانم الفا هسگروریو و رانیده است ، همسر دوستم ، آن زن شرم و دوست داشتنی الفا در آشپزخانه ، در کنار اجاق ، در لباس خدمتگاران در یک بزرگی خوراکی می خفتد و موشهای گرسنه و جریب از روش می داده اند . و الفا با دیدن مرد با دستهای اثارهای می کند که : "بخودتان زخمت ندهید ، خیلی دبر است ، اما میدا مدتهاست که مرده است ."

و اکنون حیوانی بر این نوشته است که ... زمین بس نمی تواند تا نشان هها میمانم کند ، چرا؟ برای چه میگردد؟ میلی مقاومت پذیر بر اینها آنگاه می گشاند : تنها چند دقیقه کفایت میکند تا به همه چیزی بیرون چند دقیقه ، همین پس ، اما اعتراف می کنم که چنانچه در انبیا ری در این با به گفته های غریبی شنیده ام ، مثلاً "تعریف می کنند که پدر بزرگ و ما در بزرگ خانواده مرده اند ، که دیگر کسی از خانه خارج نمی شود و یکی از مردان ما بحتاج کوریوها را تهیه می کند ، ولی بسته ها نشان را در هرگز سیشه می نهد . می گویند دیگر کسی نمی تواند وارد خانه شود ، که خانه در اشغال موش های عظیم الجثه است و خانواده کوریو به بردگی آنها در آمده است .

و اکنون حیوانی بر این نوشته است که ... زمین بس نمی تواند تا نشان هها میمانم کند ، چرا؟ برای چه میگردد؟ میلی مقاومت پذیر بر اینها آنگاه می گشاند : تنها چند دقیقه کفایت میکند تا به همه چیزی بیرون چند دقیقه ، همین پس ، اما اعتراف می کنم که چنانچه در انبیا ری در این با به گفته های غریبی شنیده ام ، مثلاً "تعریف می کنند که پدر بزرگ و ما در بزرگ خانواده مرده اند ، که دیگر کسی از خانه خارج نمی شود و یکی از مردان ما بحتاج کوریوها را تهیه می کند ، ولی بسته ها نشان را در هرگز سیشه می نهد . می گویند دیگر کسی نمی تواند وارد خانه شود ، که خانه در اشغال موش های عظیم الجثه است و خانواده کوریو به بردگی آنها در آمده است .

و اکنون حیوانی بر این نوشته است که ... زمین بس نمی تواند تا نشان هها میمانم کند ، چرا؟ برای چه میگردد؟ میلی مقاومت پذیر بر اینها آنگاه می گشاند : تنها چند دقیقه کفایت میکند تا به همه چیزی بیرون چند دقیقه ، همین پس ، اما اعتراف می کنم که چنانچه در انبیا ری در این با به گفته های غریبی شنیده ام ، مثلاً "تعریف می کنند که پدر بزرگ و ما در بزرگ خانواده مرده اند ، که دیگر کسی از خانه خارج نمی شود و یکی از مردان ما بحتاج کوریوها را تهیه می کند ، ولی بسته ها نشان را در هرگز سیشه می نهد . می گویند دیگر کسی نمی تواند وارد خانه شود ، که خانه در اشغال موش های عظیم الجثه است و خانواده کوریو به بردگی آنها در آمده است .

می شوم زیرا احساس می کنم مخالفان رژیم خمینی منتظر نشسته اند تا خود رژیم بعثت تنگنا ها وضیعت های درونی از هم فروریزد ، این چنین انتظاری خطرناک است ، باید همه ایران نیایان متحد شوند و هر چه زود تر بر خیزند و ایران را نجات دهند . بیام اخیر دکتر مختیار به مناسبت تظا هرات ۱۲۷ اردی بهشت برای امید آفرین بود و با ورمی کنم که سال سال عمل و جنبش است ، چون عقیده دارم رهبر نهضت مقاومت ملی ، مرد عمل است .

دانشمارک - داریوش زمانشی

## سال بازگشت

من بیست و دو ساله ام و ده ماه است از وطن عزیز خارج شده ام ، اما خدا گواهاست که برای بازگشت به وطن دقیقه شماری می کنم . اینجا و در ایران ، چشم امید من و میلیون ها ایرانی به نهضت مقاومت ملی ایران دوخته شده است . با خود می گویم این نهضت مقاومت است که خاکمان فدای برائی را و از گون خواهد کرد ، اما در خارج از کشور گاه نویسد

**تلفن خبری**

همه یاران عزیز!

هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد .  
شماره تلفن :  
۸۵ - ۴۶ - ۲۶ پاریس





فواد روحانی

# مصدق ونهضت ملی ایران در کساکش چپ و راست

## فضای طوفانی مذاکرات

"من در ابتدای مذاکرات گفتم دولت انگلستان از کوشش‌هایی که مستر هریمین برای تسهیل حل مسئله ایران به عمل آورده است جدا" قدردانی می‌کند به طوری که گزارش مستر استوکس نشان می‌دهد آن دو به بهترین نحو همکاری کردند و مستر هریمین از هیچ گونه کوشش فروگذار نکرده است و اگر آن‌ها تاکنون نتیجه‌های نگرانشانه از آن جهت بوده که یا مرده می‌بماند یا غیره معقول طرف بوده‌اند اما حالا مسئله اینست که بعید چه باید کرد، بنظر ما تنها امید بهبود وضع در ایران است که دولت ایران تغییر کند. سپس من از مستر هریمین پرسیدم آیا او مطلب دیگری دارد که اضافه کند مستر هریمین گفت سفر او به ایران او را به ایسین نتیجه رسانده است که معامله با مصدق و مشاورانش غیرممکن است... بعد گفت به او اطلاع داده شده که ما دستورهای به سفیرمان در تهران می‌فرستیم که شاه را تحت فشار قرار دهد تا مصدق را معزول و سیدضیاء را جانشین او کند و او از این موضوع سخت نگران شده است. او گفت هیچ کدام از امریکائی‌هایی که در محل هستند و ایرانیانی که با آن‌ها مذاکره کرده است (از جمله شاه) سیدضیاء را قادر به ادا راه امور نمی‌دانند. دولت آمریکا عقیده ندارد که تغییر ناگهانی دولت وضع را بهتر خواهد کرد. بلکه می‌ترسد از اینکه با یک چنین تغییر وضع حتی خطرناک تر شود. بنا بر این نظر شخصاً و اینست که دستورهای که ما به سفیرانسیس سپرده فرستاده‌ایم نوعی است که شاه را به دست آورد خواهد کرد، به بهتر. او تصدیق کرد که ممکن است در بدون آن که تغییر دولت با شاه مذاکره شود و اینست که جانشین مصدق شود فشاری به او وارد آید و وضعی می‌تواند به دولت آمریکا توصیه کند که به سفیر آمریکا در تهران دستور پشتیبانی از اقدام سرفرانسیس سپرد داده شود... من گفتم ما در برابر وضعی قرار داریم که ایرانی‌ها می‌کوشند در آرائی انگلیس را به ارزش بیش از ۳۰ میلیون لیره بدون مذاکره صحیح و غیرمستقیم قابل ذکر تصاحب کنند. ایران در حال حاضر دولت مؤثری ندارد و حال آنکه وجود یک چنین دولت برای ایران بسیار ضروری است. بنظر ما تنها راه تشکیل یک چنین دولت اینست که شاه از اختیارات مخصوصی که طبق قانون اساسی دارد استفاده کند."

در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۵۱ (۳ مهر ۱۳۳۰) سفیر انگلیس طی تلگرافی که به وزارت خارجه انگلیس فرستاد اطلاع داد که رئیس اداره امور ایران در وزارت امور خارجه به او گفته است که نظر سنجیده آمریکا می‌تواند که در محل هستند اینست که در مرحله کنونی هیچ احتمال نمی‌رود که شاه اقدام قطعی برای کنار کردن مصدق به عمل آورد. عدم تمایل دولت آمریکا در آن زمان به اعمال نفوذ برای برکنار کردن دکتر مصدق دولت انگلیس را به هیچ عنوان از این فکر منصرف نکرد. طبق سندی که در بخش روش و نظریه دولت آمریکا نسبت به حکومت دکتر مصدق نقل شد (۲) کاردا رسفارت انگلیس در تهران در طی گزارشی که در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۵۱ (۲۸ آبان ۱۳۳۰) به لندن فرستاد با زیر این موضوع برگشت که با پیوستن دولت دیگری جانشین دولت مصدق شود و صورت نگرانی این تغییر را به علل زیر نسبت داد: اصرار سفیر آمریکا به اینکه یک فرصت آخر باید به مصدق داده شود، سیاست تردیدآمیز معمول شاه و متشکل نبودن جبهه مخالف دولت در مجلس شورای ملی. او در پایان گزارش با لزوم موافق نمودن دولت آمریکا را با تغییر دکتر مصدق به این عبارت بیان کرد: "ما باید نوعی تغییر به وجود بیاوریم اما اگر ما امریکائی‌ها در جهت واحد اقدام نکنیم به عقیده من مصدق برای مدت نا معلوم بر سر کار خواهد ماند و همان طور که صادر گزارش خود گفته ایم یک چنین وضع بسیار وخیم خواهد بود." اما در آن زمان به علت عدم موافقت شاه تغییر دکتر مصدق صورت نگرفت.

### کوشش برای تجدید وساطت

در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۳۰ دکتر مصدق نامه‌ای به هریمین نوشت و اظهار نمود که بعد از عزیمت استوکس خبری از او دربارۀ تعقیب مذاکرات نرسیده ولی شنیده می‌شود که دولت انگلستان در انتظار ردیافت پیشنهادها می‌باشد.

طرح استوکس مدت یک هفته بین او و نمایندگان ایرانی و از جمله در یک ملاقات خصوصی بین او و دکتر مصدق مورد مذاکره قرار گرفت و در این ضمن وساطت‌های مصرانه‌ای نیز از طرف هریمین و سفرائی انگلیس و آمریکا برای قبولاندن شرایط پیشنهادی به عمل آمد. اما دکتر مصدق در این نظر پافشاری کرد که طرح استوکس با فورمولی که دولت بنای مذاکره قرار داده بود منطبق نیست و اصل ملی شدن راناه مین نمی‌کند. بنا بر این استوکس در تاریخ ۲۹ مرداد پیشنهاد خود را پس گرفت اما در عین حال به منظور قابل قبول نمودن طرح خود اصلاحی در مضمون بند ۴ آن به دکتر مصدق پیشنهاد کرد. از این قرار که به جای شرکت عامل یک دستگاه مدیریت تحت مسئولیت یک مدیرکل انگلیسی تا سه سالی اختیار کامل به مدیرمربور داده شود و با تصریح گردد که در هر مورد که بین نظر او و نظر دولت ایران اختلافی پیش آید نظر دولت نافذ خواهد بود اما این پیشنهاد نیز مورد قبول واقع نشد.

در همان روز استوکس طرح استوکس هریمین نامه‌ای به دکتر مصدق نوشت و با ردیگر تاء کید کرد که حل اختلاف جز به وسیله سازش با سازمانی که دارای همه وسایل لازم برای حمل و نقل و فروش نفت دریا زارهای جهان باشد ممکن نخواهد بود و چنین سازشی مستلزم آنست که شرایط معامله برابر شرایط متداول در سایر کشورهای نفتخیز باشد. یعنی تنصیف درآمد فروش بین طرفین. ضمناً نامه هریمین یک تهدید تلویحی نیز در بر داشت یعنی اضافه می‌کرد که "بنظر دولت متبوع من استوکس اینجا نب گرفتن را از بی خارجی‌ها از طرف دولت ملی بدون پرداخت غرامت سریع و کافی و حقیقی یا توافق در باره ترتیباتی که متضمن رفاهیت طرفین باشد ضبط و توقیف است نه ملی کردن" اما مندرجات نامه هریمین در نظریات دولت ایران تغییر می‌یافت و وجودش را در برابر این مسیون هریمین - استوکس منتهی به شکست شد. روز ۳۰ مرداد دکتر مصدق گزارش مذاکرات با مسیون استوکس را به مجلسین داد و علت رد پیشنهادها را اینست که استوکس را به این شرح بیان نمود که سازمان عامل یا دستگاهی که به شرط مدیریت یک انگلیسی پیشنهاد شده بود در حقیقت احیای شرکت سابق خواهد بود و این پیشنهاد البته با قانون ملی شدن منطبق نیست. بخصوص از این جهت که شرکت ملی آزادی عمل در فروش نفت تولیدی نخواهد داشت و سازمان پیشنهادی ۵۰ درصد درآمد را نیز تصاحب خواهد کرد. مجلسین تصمیم دکتر مصدق را تاء بید کردند و به ارضای اعتقاد دادند. روز ۳۱ مرداد استوکس و روز اول شهریور هریمین ایران را ترک کردند اما هر دو قبلاً از حرکت اظهار نمودند که مذاکرات قطع نشده بلکه معلق گردیده است.

روز اول شهریور اردیبهشت در بر نامه فارسی خود اعلام نمود که هیئت وزیران انگلیس پس از دریافت گزارش استوکس به این نتیجه رسیده است که چون دولت ایران اصرار در اجرای قانون ۹ ماده‌ای دارد مقادیر آن قانون برای انگلستان قابل قبول نیست. تعقیب مذاکرات با دولت ایران متبوع نخواهد بود مگر در صورتی که دولت حاضر به مذاکره بر اساس معقول و منطقی بشود.

هریمین هنگام ورود به لندن ضمن یک مصاحبه مطبوعاتی دربارۀ محیط مذاکرات تهران چنین گفت: "احساسات شدیدی که اکنون در ایران حکمفرما است مذاکره و بحث را بسیار دشوار ساخته و عامل دیگری هم که به این دشواری اضافه گشته است که دولت ایران مشاوری مطلع و آزموده‌ای که در امور بازرگانی نفت و وسعت عمل جهانی آن اطلاعات کافی داشته باشد ندارد. نظر به این مراتب خیلی طبیعی بود که فشارهای سیاسی بی‌نتیجه دولت ایران را تحت تأثیر خود قرار دهد و مانع از حل قضیه گردد... اگر تنها هم بیشتر می‌توانستیم می‌توانستیم مذاکرات متوقف شده را دوباره شروع نمود."

اما به طوری که در بخش بعد گفته خواهد شد مذاکرات مسیون هریمین - استوکس تجدید نگردید.

فترت چهار ماهه (شهریور - آذر ۱۳۳۰) بین دومین و سومین پیشنهاد داخل اختلاف

### فکر تغییر دولت

با این که مجلسین اقدام دولت را در رد پیشنهاد استوکس تأیید کردند ولی بسیاری اشخاص که از پیشنهاد مصدق مالکی و رکود اقتصادی نگران بودند احساس بی‌روز مغایرت سیاسی نیز می‌کردند و عقیده داشتند که اگر دولت انعطاف بیشتری نشان می‌داد ممکن بود اختلافی حل شود. به طوری که قبلاً گفته شد هریمین و استوکس هنگام عزیمت از تهران گفتند چنانچه دولت نظریاتش را تعدیل کند ممکن است مذاکرات تجدید شود. عسده‌ای از اشخاص که از جریان امور مطلع بودند با توجه به این اظهار شروع به تبلیغ این فکر نمودند که دولت سازگارتی با برده‌ای کار بیاورد و فعالیت‌های در خفیه بمنظور بر سر کار آوردن قوام السلطنه یا سیدضیاء صورت گرفت. بدیهی است که شرکت نفت و دولت انگلیس به هر طریق که می‌توانستند برای وقوع یک چنین تغییرات اعمال نفوذ می‌کردند.

بعد از بازگشت هریمین به آمریکا جلسه مشورتی در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۵۱ (۲۰ شهریور ۱۳۳۰) در وزارت خارجه با شرکت هریمین و سفیر انگلیس تشکیل شد. سفیر همان روز جریان مذاکرات جلسه را به تفصیل به وزارت خارجه انگلیس گزارش داد. ما ترجمه قسمت‌هایی از گزارش مزبور را نقل می‌کنیم (۱).

طرف ایران می‌باشد. بنا بر این دولت اظهار می‌کند که حاضر است مذاکرات را بر اساس چهار اصل زیر تجدید کند: فروش نفت به مقدار نامحدود به انگلیس‌ها به قیمت بین المللی با این تفاهم که شرکت سابق مدتی پنجاه قیمت را برای تصفیه غرامت خود نگاه دارد، تا سه سالی شرکت بین المللی با شرکت ایران برای حمل و نقل و توزیع نفت به جای سازمان خرید پیشنهادی استوکس، تعیین غرامت شرکت سابق با از روی ارزش سهام شرکت یا طبق قوانین سایر کشورهای به وسیله مذاکره. دوستانه، و نگاه داشتن کارخانگان انگلیسی در دست‌های فنی. روز ۲۳ شهریور هریمین به نامه دکتر مصدق چنین جواب داد که اصول پیشنهادی مشارالیه همان مطالبی است که قبلاً هم به استوکس اظهار شده بود و استوکس به علت عدم تطبیق نظر دولت با وضع بین المللی صنعت نفت نمی‌توانست با آن موافقت کند. وی اضافه کرد که چون دولت انگلستان اصولاً حاضر به تجدید مذاکره بر اساس پیشنهادها می‌باشد بهتر است دولت ایران درصدد تنظیم پیشنهادها عملی برآمده و از دولت انگلستان برای تجدید مذاکره بر اساس دعوت کند. پس از وصول نامه هریمین دکتر مصدق اصول چهارگانه پیشنهادی خود را در یادداشتی بدون تاریخ و امضاء شرح داد و روزیسی دربارۀ خواهش کرد که یادداشت را به سفیر انگلیس ابلاغ کند. وزیر دربارۀ روز ۲۸ شهریور یادداشت را به سفیر انگلیس تسلیم کرد اما مشارالیه در تاریخ ۳۰ شهریور در پاسخ اظهار کرد که گذشته از این که یادداشت رسمی نیست اصولاً محتویات آن هم پیشرفتی نسبت به روش سابق دولت ایران نشان نمی‌دهد و تجدید مذاکرات بر اساس آن مورد ندارد. به این ترتیب وساطت هریمین و مذاکره با استوکس تجدید نگردید.

### وضع اقتصادی کشور

در دوره مورد بحث مضمون مالکی و رکود اقتصادی کشور روز بروز شدیدتر می‌شد. شرح وضع اقتصادی در مدت بحران اختلاف نفت در بخش دیگر خواهد آمد. اینجاست که به این نکته کفایت می‌کند که وضع مسزبور احساس نگرانی و نا ارامی عموم و فکری تغییر حکومت را تقویت کرد. در جلسه ۳۱ آبان مجلس شورای ملی، جمال‌آبادی ضمن شرح نامشائی وضع اقتصادی حمله سختی به حکومت دکتر مصدق کرد و از جمله گفت: "بسیار بدبینیم در این هفت ماه برای این که فقر و فلاکت را از بین ببریم دولت کنونی چه کرده... آیا جز اینست که در این مدت فقر و فلاکت بیشتر شده است... دکتر مصدق سرکار آمد که از شرکت سابق قطع بد بکنند الحاحاً دولت انگلیس صلح بیداد از ایران هم قطع بید شد. نفت ما هم رفت زیر زمین... دیگر بس است دیگر چه می‌گوئید و چه می‌خواهید؟ این دکان هفت ماهه بازبوده حالا دکان دیگری باز کنید." کاردار سفارت انگلیس در گزارش مورخ ۱۹ نوامبر (۲۸ آبان) خود به وزارت خارجه انگلیس که قبلاً به آن اشاره شد در توجیه نظر خود را بربروی کار آوردن قوام می‌گوید: مضمون اقتصادی هر روز مضمون ترمی شود.

۱- از آرشیموحرمانه دولت انگلیس: سند شماره

FO 371/91472/73456

۲- از آرشیموحرمانه انگلیس سند شماره

FO 371/14002-1901

### بقیه از صفحه

یکشنبه ۴ خرداد در آملی تفتاب سواد مشترک یک جلسه مخصوص افسران تشکیل شده بود. چهارتن از اسداران در مقابل در ورودی، ارتشیان از درجه سرهنگ به پایین را بازرسی بدنی می‌کردند بطوریکه اشک در چشم بسیاری از افسران حلقه زده بود. هم‌اکنون این شایعه در راهروهای ادارات نظامی دهان به دهان می‌نقل می‌شود که میان سرهنگ صیاد شیرازی و محسن رضایی بر سر قتل یک افسر ارشد، بدست یک پاسدار مشا جوره سختی در گرفته و رضائی به صیاد شیرازی سبلی زده است. صیاد شیرازی به خمینی شکایت کرده ولی خمینی ضمن حمله به ارتش، پاسخی داده است و ارتش هیچ خدمتی در جنگ نکرده و ما هر چه شهید دادیم، از سیاه و سیخ بوده است، بروید خودتان را اصلاح کنید."

## بحران در ارتش ایران

عنا صریحی در همین گزارش می‌نویسند: در هفته‌های آخر اردیبهشت ماه افسران واحد دریائی سپاه پاسداران در بندر پهلوی، بخش‌هایی از پاسداران نیروی دریائی را به زور تصرف کردند. فرمانده پاسداران تلاش زیادی به خرج داد تا آنها را ز محوطه پاسداران اخراج کند اما پاسداران ضمن مقاومت، عده‌ای از افسران نیروی دریائی را مغرب کردند. فرمانده پاسداران ناگزیر دستور داد که افراد نظامی با استفاده از شمشیر، کتک و سایر وسایل تسلیحاتی با آنها برخورد کنند.

# اصحاب عمل!

بقیه از صفحه ۱

که از علت ها آگاهند و یا خود را آگاه نشان می دهند ، ریشه های درد را می شناسند و یا به شناسایی تظاهرات می کنند ولی آنجا که برای چاره جویی در میان است در پیج و خم " مصلحت حوشی ها و راهنما نیها " نا خواسته طلب را روی می کنند که سوست کننده اش اینست :

حرکت از دیگران و برکت از ما - و " دیگرانی " که از حق چون چراغ محرومند ، تنها ادای یک وظیفه بر آنها مقرر است و آن گسترده سفره است و مصلحتی هم برای تدارک و کنکاش ندارند - باید قیام کنند و کار را بکسره .

نویسنده ای این سطور چندی قبل ، ضمن گفتگویی با یکی از این قماش اصحاب " اصالت عمل " مصداق تمام عیار از این گونه " راه جوشی ها " و " مصلحت اندیشی ها " را بازشناخت .

به عقیده من باید از بسیاری سرما به گذاریهای فکری و طبعی " مادی ، در کار تلاش های بیرون سوزی و درون سوزی چشم پوشید و در عوض همه نگاه ها و نیروها را به سرکوب رژیم سوق داد - چرا که با آنکه تا خیر و نفعی همه هستی و هویت ما با پیمان است "

چون " توصیه اش " از یک " اندرز دولالت کلی تجا ز نسی کرد ، ناچار به اصرار خواستم ، از طرح مورد و تمون - و در بیخ ننگند ، توجیش دادم که " توصیه و راهنما نی " وقتی قیمت دارد که بر جزئیاتی متکی و لا اقل شامل نمونه هایی هم باشد ، تا طرف بدانند ، چه چیز را باید حذف کند و چگونه می تواند همان حذف شده را به رژیم دیگری بزند ؟ چرا که تا هنگام شکافته و حلجی ننموده مثلاً در همین زمینه از آن ( بسیار سرما یه - گذاریهای زائد ) لا اقل نمونه ای مطرح نیاید ، مسئله ای حل نخواهد شد .

اعلا حرفی پیش آمده و بیگوشی رسیده و از کوس دیگر بیرون رفته است . به زحمت فراوان سرانجام ، نمونه های بد عنوان کرد :

" یکی از این کارهای پر زحمت وزائد و بی نتیجه ، بخصوص در این کشور های خارجی ، همین تشریفات تارسی زبان جورا است که نه بکار خاصی می آید و نه دردی از خود ما دوا می کند . و خود انا فده کرد :

" سلما " مقصود من آن گروهی نیست که بنا بر ما موریت و مزدی گاه گاه از زمین میرویند و چند لنترا نی بار این وجدنا سزا نشان آن میکنند و برای مدتی غیبی می شوند . تکلیف این دسته و غرض و هدفشان روشن است ، حق العملی برسد بیدارند - ترسند غاشند - منظور تشریفات است از این آنچه شما هر هفته تحویل ما می دهید که نمی گویم سود مند نیست ، بلکه فقط سوال می کنم ارزش " عملی " آنها چیست ؟ چه اثری بر سرنوشت ما و رژیم می

که مثل زالویه بیگروهی مایند شده است و خون می مکد ، بجا خواهد گذاشت ؟ آیا بهترین نیست این نیرویی را که پیدا است ، می تواند موثر ، کار ساز هم واقع شود به خط دیگری بیندازید و موجودیت رژیم را نه روی کاغذ ، که روی واقعیت وجودش هدف بگیرید ؟ "

طرف سینه از ابهام " این انتقال نیرو " ذره ای بکا هدیه نتیجه نبرسید : " بگمان من ، از قلم و سخن با بید گذشت و به حرکت و قدرت پرداخت ، این هیولا را با نوشتن و گفتن نمی توان از با انداخت حتی اگر در تن خود هنر را به عجز بدل کنید .

اعتراف می کنم که گفتگوی ما به جایی نرسید و نمی توانست برسد که حریف اگر چه آنتی درکار نبود به آنتی گرفته ای میمانست و جویب آت و غافل که آب را هم با پداز جانی جست ، بنمورین ، انگیزه ای این ساده نگریها و آسان گیری ها ، مخصوصاً " نزد آن گروه که دست از دور بر آتش دارند و لا اقل نفس آزاد را نباخته اند ، تنها وسعت شدت مصیبت نیست - این گذر عجلانه از مائیلی تا این پایه حیاتی از عوارض دیگری تیز ریشه می گیرد که یکی از اذیت ترین آن ها میراث دهها ساله ای است که " تفکر " را نسی کرده است .

آن عادت که انسان را در قبال هر " عملی " خود خود به اندیشیدن و کا ویدن دعوت می کند ، از اکثر ما سلب شده و این است که وقتی کسی بیدار میشود و استدلال می کند ، دستیابی به هر منظوری و مثلاً " همین ( سرکوب رژیم ) ، مستلزم تا " بین شرایط و امکاناتی است که عمده ترین آن ها آگاهی های سیاسی و اجتماعی در مردم است - فراوانند که از کوره در میروند ، که ( شما عمل را گذاشته و به حرف چسبیده اید ) - حالا فرض کنید که برای استدلال تا " مل در دنیا زها و احتمالات دورترین افزوده شود که طوفانی برآید میان آنزد و بچوش می آید . عجیبی نیست درسی این همه بی تابی و خروشی و التهاب ، از چند و چون " عمل " مقبول خود حسی نشان نیمه تاریکی هم بدست نمی دهند .

حکایت مگر می است که مناه سفاهه همین فراز آتاء مل و تشخیص بود که این تحفه جهشی را بدامن ما انداخته و تجربه هم ، آنقدر که شایسته است برای جمعی ، بیداری بیارنیارده که به حکم میراث و عادت " صلاح " را از " فکر " بریده اند .

بهر تقدیر - چاره چیست ؟ - به بهانه ای وجود این کمبودها و ضایعات فرهنگی ، نمی توان از واقعیت ها و مصلحت ها چشم پوشید و خوشبختانه اگر هنرمند بیداری همه گیر نیست ، بیدار شدگان هم اندک نیستند ، نهیب تجربه نگار خود را کرده است .

در تحلیل تیا زها - ناچار با پدمختات

فکری که اکثریت غالب فضای داخلی کشور را که وسیعتر است ، از ویژگیهای زندگی در فضا های آزاد که حدود ۲ میلیون از ما را جان پناه شده اند ، بدقت بازشناخت - حکایت سردر میسیون ها انسانی که در کوره های ستم می سوزند و نفس اختناق را بیه مراتب موحش ترا ز گذشته حس می کنند خود مقوله خاصی است .

آن ها اگر چه در گذشته و حال از تجربه ای زندگی در فضا های آزاد و نیز از تجربین و یا حتی مساهدهی آثار " مشارکت " ممنوع بوده اند و همچنان محرومند - از مجموع حوادث و نقض درد بی فرجام ، آموخته اند که بیک فاجعه ، چه شد که فرو آمد و چه شد که از با افتادند و اگر بنده اختناق را نیز هر روز تنگتر و تنگتر می بینند و ولی بحکم تکرارها داستان چاه و چاه را در عرصه های عمل تجربه کرده اند و به همین دلیل می توان پیش بینی کرد همینکه فرصتی به جویان بچویندتن به راه ورسم رفته نخواهند داد ، با اینهمه چون در دام مصیبت گرفتارند ، فریادشان به نجات نا منتظر و غیر طبیعی نیست .

پس مسئله را در ارتباط با حال و قبال این قریب دو میلیون جلالی وطن گرفته دنبال می کنیم ، بخصوص از این با است که اکثر ، بهره مندا از تخصص های هستند که این کشور ویران شده ، فسرده از جذب حضور آنها ناگزیر است و به مستر از این ، انکار نیاید کرد که این گروه با لئسه کثیر و موثر با هر توشه ای فکری و عقیدتی در بنای نظام آینده اثر خواهد گذاشت .

جنبه های حیاتی مسئله ، بیشتر و بیشتر ظاهر خواهد شد ، وقتی این پرسش اصولی را با رخ بچویم : آیا قصد گفت همان بذری است که حاصلش را خرمن کردیم و به جرقه های سوخت و فتنه شد ؟ - و یا توسل به طرحی است که بقای ملی را در مشارکت ملی تبلیغ میکند ؟

دیدگاه های ملی که با طبع متکی به ارزش های دمکراسی است ، روشن است - پس با رخ ملیون نیز می گفتگوات : ما سدا گری و مطونیت ما در این است که مشارکت ملی جا با زکند . توجه دارید که چرخ در کار نیست - مسئله ای براندازی البته در همان حد ( رفع مانع از کما کت ملی ) در جای خود معتبر است و مسلماً به لحاظ زمان بر مسئله ای جانشینی پیشی دارد و لسی گرچه موضوع مکررات به تائید و یادآوریش می آرد که این دو مرحله بهم جوش خورده اند ، تفکیک نا پذیرند ، مگر آنکه بخواهیم یکبار دیگر به رای حوادث تسلیم شویم که این در مصلحت ملت ایران و طبعاً " در شان " ملیسون ایران نیست - تنها راهی که با قسی میماند اینست که باید پر بار از آگاهی و متکی به تجربه ها و خاصه با بیداری تمام و احساس مسئولیت در میدان بود و بر این واقعیت گردن نهاده که آنچه بر ما رسیده از فتنان و فکروند ، از تیز و تشخیص محروم بودیم و با زندگی در فضای آزاد بیگانه ، با چنین برداشتی شک نباید کرد ، آنها گسه برای گفتن و نوشتن و در مجموع برای روشنگری و تعلیم فرصتی و پیاپی قائل نیستند و به ذکر " عمل " مشغولند حتی اگر مردمی خیر اندیش و دل سوخته و با حسن نیت هم باشند زیا تکارند و

دهها هزار مسافر زائر ایرانی به سوریه بود که از این راه صدها میلیون دلار عاید حکومت حافظ آمد می شد ، در ماه های اخیر حکومت ملایان ، توره های سوریه را بسیار محدود کرده بود .

در حال حاضر چنین بنظری رسد که کوشش های ملک حسین در راه آشتی دادن دودولت بعضی به بیروزی تیا نجما میده است ، اما نزدیکان پادشاه اردن ناشکی شومیدی بخود راه نمی دهند .

این امیدواری مقامات اردن با گزارش محمد علی بشارتی قائم مقام وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی به حجت الاسلام جعفری تیا بین دارد ، زیرا مقام بلند پایه جمهوری اسلامی در تهران گفته است : " رئیس جمهوری سوریه بر پیشانی هم جانه خود از جمهوری اسلامی تائید و وزید .

با استفا ده ز گزارش خبرگزاری فرانسه و رادیو سراجیل

فقط فریاد قلب خود را میسک می کند و حتی بمعنای " عمل " نیز راه نموده اند . در راستای براندازی و جانشینی مطرح است ، حالا اگر برای آن دهها بیلیون انسان در قفس ترمیم و تجربه ای زندگی در فضا های آزاد بسودور نیست ، در عوض برای دو بیلیون انسان بر اثر که مقدور است .

با این حساب اگر بخلاف نظر آن به اصلاح اصحاب عمل ادعا کنیم ، که تشریفات و امکانات روشنگر و روشحشی به کفایت نیست ، بیچاره رفته ام .

برای ما جلالی وطن کرده ها - علی رغم با رستگین شادانه و در غربت ، ایس فرصت مفتشم وجود دارد که در حین ادای سهم خود در خط مقابله با رژیم و شرکت موثر در جنبه براندازی - از آمادگی بسود بنای فردا ، جد در قلمرو مسائل اقتصادی و چه در زمینه ظنی مناسب با بهنجار اجتماعی و سیاسی ، دین خود را بپردازیم .

خوشبختانه برای ما - هم تجربه و محصول دیگران راهنماست و هم امکانات تبادل نظر و تصحیح و راه جوشی به ما است .

باید قلم ها وزبان ها را با احساس مسئولیت بکار گرفت و مخصوصاً از آزمون میزبان ها آموخت ، که این یک دادوستد شفقانه است و ولو گاه به تنه ای بگراید .

باید بیما موزیم - در نوشته ها و گفته ها - تحمل مخالف با چه ما هم متعاضی و مقدسی آموختیم .

باید بخود بقبولانیم که در پشت جلدها ، مصلحت های ملی نشسته اند ، مصادال تهرمانی در کار نیست .

با پدعمق زندگانی همین میزبان ها را بکاویم تا بدانیم که چرا با وسواس و اصرار بر " کثرت گرائی " ایستاده اند و چگونه با قبول " اندیشه ای آزاد " و " دادوستد عقیده " نه فقط از وجودی که از قدرت و عظمت خود پاداری می کنند ، بر ما است که در رهنگار آماجگی به سوی هدف ( براندازی و جانشینی ) به راه بر آمدن آن ها که دست کم در تبعیض تاریخ از ما عقب بودند و بر ما سوار شدند ، آگاه شویم .

بر این نیازها مگر جز با قلم و وزبان می توان پاسخ داد ؟ عیب کار اینست که بعضی تحت تا تیرا ستمزار اخنناق ، فکر کردن را که با تواب عینی اش همان گفتن و نوشتن و شنیدن و خواندن است ، دشمن ( عمل یافته اند ، غافل که عمل تپی از اندیشه ، چراغ بی روشن است .

چندبار با مفز دیگری فکر کردیم و چوب خوردیم ؟

از این تکرارهای معیبت بار تیا یید عبرت گرفت ؟ نیاز اکبر ما - در همان خط براندازی - آموختن و پذیرفتن الگوهای تجربه شده است .

افسانه ای غرب زدگی ، این افسون جا دو گران را با ید طلاق گفت ، دمکراسی در غرب شکفته شد ، پس از غرب با ییدش آموخت ، این معارض هویت ما نیست . سرما پدی طراوت و اجیاء ما است .

دریغ که در این فرصت ها - از یادگیری و ترمیم بهره ییم و با شعارهای تو خالی با زهم و با زهم جا ده قیموست را آب جا رو کنیم .

LE BARBIZON 96-98, RUE DE LA FAISANDERIE 75116-PARIS

تلفن خبری  
نهضت مقاومت ملی ایران - لندن  
شماره ۲۲۱۰۶۶۸

## تعمیق کنفرانس وزرای امور خارجه

۱۵ ژوئن خبر می دهد که ملاقات دو وزیر امور خارجه برخلاف گزارش های منتشر شده ، به تاء خیر نیافت بلکه لغو شد .

این روزها به منبع این خبر را ذکر نمی کند ولی از آنجا که دو کشور عراق و سوریه در موضوع تعویق این کنفرانس حتی بیانیها ای منتشر نگرداده اند ، بنظر می رسد اختلافات فیما بین شدید تر از آن بوده است که مقامات دو کشور بتوانند در مدورا علامه تاء خیر کنفرانس به توافق برسند .

بسیار و چهار ساعت پس از انتشار خبر تعویق کنفرانس وزیران ، آقای جواد منصوری معاون فرهنگی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در تاء خیر برای " گسترش مناسبات فرهنگی و آموزشی میان دو کشور " به دمشق سفر کرد . مهمترین روابط آموزشی و فرهنگی " دو کشور در سه سال اخیر ، گسیل

با استفا ده ز گزارش خبرگزاری فرانسه و رادیو سراجیل

### تقاضا از خوانندگان

بعضی از خوانندگان با تغییر آدرس خود را به موقع اطلاع ندادند و آدرس بعضی دیگر ناقص است. به این جهت هر هفته تعداد قابل ملاحظه‌ای از قیام ایران از طرف پست برگردانده می‌شود. شورای نویسندگان قیام ایران تصمیم گرفت که فهرست اسامی مشترکین را تحت نظم و ترتیب دقیق تری درآورده. به این ملاحظه فوراً اشتراک زیر را بنظر خوانندگان عزیز می‌رسانیم. تقاضای ما داریم پس از تکمیل آن را از نشریه بریده و برای ما ارسال دارند.

خوانندگان که دوره روزنامه را جمع می‌کنند می‌توانند مثلاً به فورم را روی کاغذ جداگانه برای ما ارسال دارند. بطوری که در متن فورم زیر ملاحظه می‌فرمایند، گرفتاری‌های بادی آن عدد از هموطنان که در مضمیق مالی هستند، در نظر گرفته شده و حق اشتراک آن‌ها از محل کمک‌های سایر خوانندگان مانده می‌خواهد.

(برای تازه‌ها، مبنای حق اشتراک این گروه از هموطنان، کمک‌های بیشتر خوانندگان عزیز است که امکان آن را دارند. بختتم خواهد بود.)

بهای اشتراک با بیدار طریق بانک یا پست به فرانس فرانسه حساب بانکی قیام ایران حواله شود؛ لطفاً قبضه رسید را به آدرس قیام ایران بگذارید. درخواست قیام ایران - روی پاکت! ارسال فرمایند.

#### را دیو محلی نهضت - واشنگتن

را دیو ایران - را دیوی محلی نهضت مقابله می‌آورد. ایران ناخوشی و آشفتگی - ویرانی - مریضی - بکننده‌ها - از ساعت ۱۰ تا ۱۱ با مداروی موج متوسط ۱۴۵۰ - را دیو W.O. را

### درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴۰ فرانک فرانسه - شش ماهه ۱۲۰ فرانک فرانسه - دانشجویان نصف قیمت

اینجانب ( نام و نام خانوادگی به ناری و به حروف لاتین ) :

نام خانوادگی : Nom

Name

نام : Prénom

Firstname

Adresse:

ما یک نشریه قیام ایران را به مدت یک سال  به مدت شش ماه  دریافت دارم.

مبلغ فرانک فرانسه به حساب بانکی نشریه  به حساب پستی نشریه  حواله شد.

قبضه رسید به ضمیمه ارسال می‌گردد.

دانجو هتم

ما یک نشریه قیام ایران را به مدت شش ماه دریافت دارم. ولی به علت مضمیق مالی فعلاً امکان پرداخت حق اشتراک را ندارم.

تاریخ امضاء

( لطفاً در دایره مربوطه ضربدر بگذارید قسمت زائده را خط بزنید )

حساب پستی : حساب بانکی :

QYAM IRAN  
Crédit du Nord  
78, Rue de la Tour  
75116 Paris  
Compte No: 11624700200

QYAM IRAN  
C. C. P. No: 2400118/E  
PARIS

### ماجرای دو مدرسه خصوصی در تهران

بقیه از صفحه ۲

به اولیای دانش آموزان گفت "چنانچه فردا قانون اینگونه مدارس ( یعنی مدارس خصوصی ) در مجلس تصویب شود دیگر مشکلی برای این مدارس نخواهد بود." این گفته نشان دهنده دعوی و کشمکش‌های اصلی بر سر این دو مدرسه است. دو جناح رقیب، تندروهای چپ و محافظه کاران، در واقع منازعه بر سر تصویب قانون مدارس خصوصی را در پی این دو مدرسه قرار داده بودند و از آنجا که اغلب اولیای دانش آموزان این دو مدرسه از افرادی صاحب نفوذ در رژیم هستند با فشار بر آنان قصد داشتند در مورد تصویب این قانون امتیازاتی از جناح رقیب بگیرند و با تعهد بستن به آن‌ها که طرفداران آنها را در هیئت نظارت و حیثیت‌شان در جامعه نگه دارند، اولیای مدارس چپ و چپان شدند و دست به نام‌های از او خواستند که استیضاحی بالا بزنند و این مشکل را حل کنند. آقای هاشمی رفسنجانی در حاشیه این نامه یادداشتی از نامه نوشته اندک که خود یک سند درخور توجه است، به این مضمون:

" جناب آقای اکرمی

با این گونه موارد باید با درایت برخورد شود که به اینجاست که در شرایط کنونی کشور نباید اجازه‌ای ساله آفرینی به ما موراقتان بدهید. اکبرها شمی رفسنجانی .

### جنگ مدرسه‌ها

وحامت وضع سبب شده ملاقاتی در تاریخ ۲۳ فروردین گذشته بین اولیای دانش آموزان و وزیر آموزش و پرورش صورت گیرد که بنا به پیشنهاد مجلس شورای اسلامی بانی آن بودند. وزیر آموزش طی این ملاقات سخنی بر زبان آورد که در آن روز وعده دهنده بود، اما اکنون یک معنای سیاسی پیدا کرده است. وزیر

### قابل توجه

### خوانندگان مقیم خارج از فرانسه

خوانندگان مقیم خارج از فرانسه که در زمینه حواله وجه اشتراک نشریه منگلی داشته باشند می‌توانند به آدرس‌های نهضت، به شرح زیر، مکاتبه نمایند.

N.A.M.I.R.  
Postfach 121007  
8000 MÜNCHEN 12  
W. Germany  
آلمان فدرال

N.A.M.I.R.  
Postfach 523  
1171 WIEN  
AUSTRIA  
اتریش

PO BOX 57278  
WASHINGTON, D.C. 20037  
U.S.A  
امریکا

N.A.M.I.R.  
PO BOX 313  
LONDON W 2-4 QX  
ENGLAND  
انگلستان

PO BOX 130  
14600 TULLINGE  
SWEDEN  
سوئد

TBS - MO 85  
117/118 MAKER CHAMBER (V)  
NARIMAN POINT  
BOMBAY 400021  
INDIA  
هند

NEHZAT  
PB. 246  
3230 AE BRIELLE  
HOLLAND  
هلند

A. CH  
APARTADO CORREOS 50432  
MADRID SPAEN  
اسپانیا

NAMIR  
PB-1002  
STN. B. WILLODALE ONT  
M2K 2T6 CANADA  
کانادا

### میخواره، عاشق پیشه و ماجراجو

بقیه از صفحه ۲

مانکن ۲۵ ساله‌ای آشنا می‌شود، بهیچ روی نمی‌داند که بر حرفه‌اش مهر با این زده خواهد شد. به می‌خواهد رگی روی می‌آورد و برگویی پیشه می‌کنند. زیاد حرف می‌زند، شاید از آن روی که زیاد می‌داند و حتی تا آنجا پیش می‌رود که آشکارا دعوی تروریست بودن می‌کند. به یقین این با رازهای تروریست‌سری‌اش سخنی نمی‌گوید. دست سرنوشت در روز هشت ماه مه او را نشان می‌کند. سیاه مست و عریضه‌جو و تهدید آلوده وارد آپارتمانی می‌شود که زن برادرش در آن زندگی می‌کنند. زن وحشت زده پلیس را می‌خواند و از حبیب بغاظر اخلاص در آرایش ساکتان ساختمان شکایت می‌کند. حبیب پسر آن می‌شود تا همه چیز را به پلیس بگوید. معشوقه تازه یافته نیز حرف‌های زن برادر را تصدیق می‌کند. برونده حبیب هر لحظه قطورتری می‌گردد. والسته از این سیر و پیمان ترنیز خواهد شد. حبیب با ذوق و شوق جزئیات همه عملیاتش را تعریف می‌کند. و حتی جزئیات حالات روحی و ترس و تردیدها بی‌را که سبب می‌شدند تا بعضی فرمائیه‌های کارفرمایانش را اجرا نکند، شرح داده است. و حالا اینها برای تلافی جویبی از تروریست مزدورشان دلایلی چند در دست دارند. حتی به همین دلیل هم برای حبیب بهترین است که در زندان باشد تا در هوای آزاد.

اونمان دویاری - ۱۲ - ۱۸ ژوئن



حجت‌الاجازاتی:

غیبت تأسف‌بار

حشمت میا جراتی، مربی پیشین تیم ملی ایران و مربی فعلی تیم ملی اعزامی متحده عربی، در یک مصاحبه با دفتر اروپائی را دیوار ایران، غیبت ورزشکاران جوانان ایران را در میدان های جهانی ورزشی، تأسف‌بار خواند. میا جراتی می گوید: اگر رژیم خصمی نیامده بود و جریان ورزش در ایران مسبب طبیعی خود را طی می کرد ما امروز در مسابقات جهانی فوتبال جزو سه تیم نخست جهان بودیم... حشمت میا جراتی که در ماه اوت آینده برای تیم خود یک اردوی ورزشی در منطقه ویشی فرانسه برگزار خواهد کرد اعلام داشت که بزرگی چندتن از فوتبالیست های ایرانی از جمله حسن روشن و مصعب شاهرخی، چهره های درخشان تیم ملی ایران در تیم های ملی کشورهای خلیج فارس عضویت خواهند یافت. بنا به گفته حشمت میا جراتی، در مسابقات فوتبال جام رمضان که در امارات متحده عربی برگزار شد، تیم شعبیدی ایران توانست به مقام نخست دست یابد.

سوره شریک جرم

دولت آمریکا اعلام کرده ممنوعیت صدور موادی را که برای ساختن سلاح های شیمیایی به کار می رود، شامل دولت سوریه نیز کرده است. برنارد کلب سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا ضمن اعلام این مطلب، گفت: ممنوعیت صدور این مواد از دو سال پیش، فقط شامل جمهوری اسلامی و عراق می شد. و اکنون برای آمریکا این نگرانی وجود دارد که سوریه دست به ساختن سلاح های شیمیایی بزند و آن را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد. بر اساس اظهارات این سخنگو، آمریکا در جنگ میان جمهوری اسلامی و عراق، با حفظ بی طرفی، سعی بر آن دارد که از طریق مسانجی گیری به این جنگ پایان دهد. برنارد کلب گفت: در حال حاضر همین تلاش است که آمریکا با ممنوعیت صدور مواد اولیه ای که برای ساختن سلاح های شیمیایی به کار می رود، سعی بر آن دارد که از به کار گرفته شدن آن، توسط هر یک از دو طرف درگیر در جنگ جلوگیری کند.

خبرگزاری فرانسه

مسئله گروگان ها

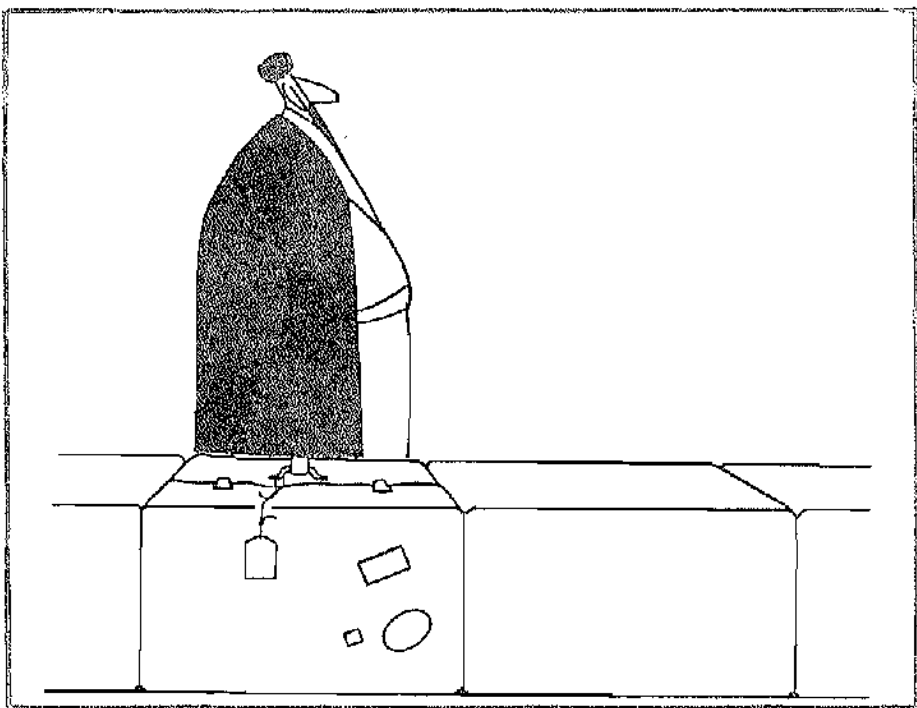
محمد علی بشارتی، معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی روز دهم ژوئن اعلام کرد که مسأله گروگان های خارجی در لبنان به هیچ وجه ارتباطی با جمهوری اسلامی ندارد. بشارتی که به قلم میبازاری میبازد، جنبش شیعی اصل و سازمان های فلسطینی در لبنان به بیروت سفیر کرده اظهار داشت: "مسأله گروگان های آمریکایی و فرانسوی به ما ربطی ندارد و ما هیچ نقشی در این عملیات نداشته ایم. به همین دلیل نیز در آزادی آنگان دخالتی نخواهیم کرد."

فروش سلاح به عربستان

رونا لدریگان رئیس جمهوری آمریکا موفق شد آرای موافق لازم را در کنگره ای آمریکا در مورد لایحه فروش سلاح های مافوق مدرن به عربستان سعودی به دست آورد. کاخ سفید و اشنگتن فروش این سلاح ها را به حفظ منافع آمریکا در خاورمیانه، ضروری دانسته بود. این قرار داد به ارزش ۲۵ میلیون دلار شامل فروش ۱۶۶۶ موشک هوا به هوای سایه پندار و ۱۵۰ موشک دریایی دریای هارپون است که از سال ۱۹۸۹ به عربستان سعودی تحویل داده خواهد شد. رونا لدریگان که از این موفقیت ابراز خشنودی می کرد، گفت آمریکا به

قضیه آن دو ذرع پارچه

بخیه از صفحه ۱



مادق طباطبائی هفته ها دربار زدا شست سر برید و تلاش زیادی به عمل آمد تا با لایحه آقای "گستر" وزیر امور خارجه آلمان فدرال شخما یا به میان گذارد و مقامات قضائی را قانع کرد که بخاطر منافع عالی کشورشان، چشم رویبهم بگذارند و اجازه دهند مادق طباطبائی با قید ضمانت از زندان آزاد شود و "قاچاقی" آلمان بگریزد و بسمه از رفتنش دادگاه و را بطور غیابی محکوم کند. در قضیه پارسی برادر جانی خوشبختانه چون اولیا دولت اسلام مثل گذشته بی تجربه نبودند هیچ کدام از این دردمانها پیش نیامد، هم آقای دکتر رجائی خراسانی و هم سخنگوی وزارت امور خارجه و هم مقامات دیگر جمهوری اسلامی از همان ابتدا بگمدا اعلام داشتند دست جنایتکار را مبریا لیسیم در کار بسته است و می خواستند با همان پیشزمی که تپام قاچاق تریاک و بمب گذاری و آدم کشی و آدم ربایی به شخصیت های عالیندر جمهوری اسلامی وارد می کنند بهمت دزدی هم به آن ها بزنند. هوشیاری جمهوری اسلامی تا اینجا قابل تحسین بود اگر چه همین ندا زده اکتفا می کردند و سودا می خواستند که تفسیه سرقه از فروشگاه داستانی معمول یا جدا کثرونی تفاق می پیش نبوده است ولی از ترس معلوم توطئه دیگری در کار است و مبریا لیسیم شیطان مفت این با رتوی جلد حجت الاسلام خا مندا رفته است که نگذارد قال قضیه بخوابد. منافات حجت الاسلام خا مندا های از نماینده دائمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد، حتی آن بچه های سیزده، چهار رده ساله ای را که نوار لبیک یا خمینی بدور سرشان بسته اند و میل داشتند با ورگنند داستان با رانی از نوع جعلیات ساخته و بسپردا ختمه رساله های صهیونیستی و مبریا لیستی بوده است به شک انداخت و آن ها هم اکنون دیگری دانند یک چیز کمی

خودش او را به منزل برساند و ضمن راه چند کلمه ای هم راجع به روابط سیاسی ایران و آمریکا حرف بزند ولی آقای سفیر به تنه می گوید به شما این قضیه اربابان را رد و ما با شما روابط ندا ریم و دنبال روابط هم نیستیم. با زفرده همین ما موراف بی. آی. تلفن می کند و همان جواب ها را می شنود و آن وقت تهدید می کند که اگر شما حاضر نشوید با من حرف بزنید قضیه را به تلویزیون و مطبوعات می رسانم و ما بقی قضا... بین آن بسیجی های سیزده، چهار رده ساله به احتمال زیاد هستند بچه های که می دانند "اف. بی. آی." یعنی "فدرال یا به عبارت دیگر اداره شهرپانی آمریکا است و ما موراف بی. آی. فقط به امور جنحه و جنایت مدخله می کنند نه به امور سیاسی. آن دستگا های که در زمینها مورسیاسی و امنیتی فعالیت دارند اسمش اف. بی. آی. نیست، به آن می گویند "سی. آی. آی." یعنی همان که ما ایرانی ها با ختمه بار می گوئیم "سیا" و اگر یکی از ما موراف بی. آی. در کارهای سیاسی از قبیل تماس و مذاکره یا سفارت خارجی دخالت کند، همان "سی. آی. آی." پوست از سرش میکند. همچنین بین آن بسیجی های سیزده، چهار رده ساله مطمئنا هستند بچه های که می دانند سازمان ملل متحد اگر چه مقرش در نیویورک واقع است ولی برای خودش به عنوان بزرگ ترین مرجع بین المللی استقلال تام و تمسکام دارد و حفظ حیثیت و شئون نمایندگان کشورهای مختلف از وظایف اساسی دبیر کل سازمان ملل متحد بشمار می آید. جمهوری اسلامی هر لحظه می توانست به استومی تواندا زدیبرکل سازمان ملل متحد رسا "درخواست کننده برای رفع توهین از نماینده محترم جمهوری اسلامی و باز کردن دست توطئه گری امبریا لیسیم در باره اتهام وارده تحقیقات فوری بعمل آورد و نتیجه تحقیقات را به اطلاع جهان بیان برساند. تحقیق در باره سرقه پارسی از تحقیق در باره کاربرد جنگ افزارهای شیمیایی دشوار تر نیست، چرا جمهوری اسلامی چنین درخواستی نمی کند و بچه علت دبیر خا مندا زمان ملل متحد در کمال شرمساری سکوت اختیار کرده است؟ همچنین بین آن بسیجی های سیزده، چهار رده ساله "پدینا" پیدا می شوند کسانی که کلیه "سو" به گوسگان رسیده باشد. "سو" کلمه ایست که در آمریکا بر پشت صبر و کبیر لرزه می اندازد. "سو" یعنی درخواست غرامت در آمریکا به محض آنکه شخص متهمی بدست آورد و بتواند مدعی شود که به نحوی از آنجا به حقوق و حدودا و تجا وزنده و ازین رهگذر مدد مالی یا جسی بی روخی به وی رسیده است به دادگاه می رود و طرف مقابل را، اعم از اینکه شخص حقوقی باشد یا حقیقی، "سو" می کند. به جای این همه روضه خوانی و بقیه درانی در باره ماجرای پارسی، کافی است آقای دکتر رجائی خراسانی در کلبه عرض حال بدهد و فرشته آلكساندر نیویورک را "سو" کند. با غرامتی که در صورت حاکم شدن عاید آقای دکتر رجائی خواهد شد می تواند برای خودش در نیویورک یک فروشگاه بزرگ لباس داشته باشد. این که چرا سفیر بیت الله و مشاوران حقوقی جمهوری اسلامی از این فرصت استفاده نمی کنند برای ما معلوم نیست. شاید دلیل اینست که مدیر فروشگاه آلكساندر راست می گویند فیلم کامل سرقه را که توسط دوربین مخفی فروشگاه ضبط شده است در اختیار ندارد!

میلیون دلار موشک های استینگر را از لایحه پیشنهادی حذف کرد. تعداد زیادی از اعضای کنگره ترس از این داشتند که این موشک ها، به طریقی به دست تروریست ها بیفتد. خبرگزاری فرانسه

نشانی: QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

خاورمیانه، برای صلح جهانی اهمیت حیاتی دارد و ما باید اعتماد دولت های عرب میانه رو را نسبت به خودمان حفظ کنیم. لازم به یاد آوری است که ریگان برای به دست آوردن آرای لازم در کنگره ای آمریکا، قسمت مربوط به تسروش ۸۹

امنیت و بهبود وضع عربستان سعودی اهمیت می دهد و نیات وضع در خلیج فارس را یک مسئله حیاتی می شمارد. بعلاوه آمریکا متعهد شده است که آزادی کشتیرانی در خلیج فارس را تا بین کند. وی همچنین گفت: نشود آمریکا در

ایران هرگز نخواهد مرد